مردم
ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران
تک‌شماره ۱۵ ریال

امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی انقلاب ایران

قطعنامه سنای امریکامبنی بردفاع ازعمال وکارگردانان رژیم طاغوتی و محکوم کردن احکام صادره از جانب دادگاههای انقلابی درموردایـن‌جنایتکاران و خائنین بمردم ایران، چهره کریه وضد مردمی امپریالیسم خونخوار امریکا و خصومت وکین‌توزی این ژاندارم جهانی رانسبت به انقلاب مردم ایران نمایان ساخت.

رژیم آدمکش و ضد مردمی که با کودتای نظامی وضد ملی ۲۸ مرداد، با شرکت مستقیم دوائرجاسوسی ومستشاران نظامی امریکا روی‌کارآمد، متجاوز از بیست وپنج سال برجان ومال و ناموس مردم ماسلطه اهریمنی خود را برقرار نمود. این‌رژیم‌دست‌پروردهٔ امریکا طی‌این این دوران، کشور ما را به تاراجگاه انحصارات امپریالیستی تبدیل نمود و ثروتهای طبیعی میهن ما را در اختیار اربابان امریکائی خود قرارداد، کشور را به‌حساب درآمدهای ملی مردم ایران به پایگاه نظامی امریکا تبدیل ساخت، وبا اجرای سیاست نظامیگری و خریدهای کلان تسلیحات برای سرکوب مبارزات حق‌طلبانه خلقهای ایران و جنبش‌های رهائی‌بخش ملی‌درمنطقه نقش‌ژاندارم را ایفاء نمود.

امپریالیسم‌امریکاایران را به زائدهٔ اقتصادی وسیاسی ونظامی خودتبدیل کرد. وجودمستشاران‌نظامی‌امریکاوقراردادهای نظامی امریکا بارژیم شاه مخلوع، ارتش ایران را به صورت یك‌ارتش مستعمراتی درآورد. سازمان آدمکش امنیت‌شبه‌ای ازدوائرجاسوسی‌وپلیسی امریکااسرائیل بوده‌شکنجه‌گران وآدمکشان‌این سازمان بوسیلهٔ کارشناسان امریکائی و اسرائیلی آموزش میدیدند وباشرکت وزیرنظر آدمکشان حرفه‌ای امریکائی هزاران‌نفر ازبهترین فرزندان میهن‌مارازیرشکنجه

بقیه‌در صفحه۴

روزجمعه نیز
فریاد خشم مردم علیه امپریالیسم امریکا

ادامه داشت

مبارزات ضد امپریالیستی مردم ایران‌که روزهای متوالی تقریبا همه شهرهای ایران را تکان داد درروزجمعه نیز ادامه یافت. «مردم» درشماره پیشین خود جریان تظاهرات گوناگون شهر های مختلف را تا آخر روز پنجشنبه باطلاع خوانندگان خود رسانیده بود. شما میدانید که‌چگونه‌وابستگان‌به‌احزاب وگروههای مختلف و منجمله طرفداران حزب تودهٔ ایران دراین موج پرخروش اعتراض علیه امپریالیسم امریکاوتوطئه هائیکه علیه انقلاب ایران چیده‌میشود، فعالانه شرکت جستند وباردیگرازچهره امپریالیسم امریکا، بمثابه دشمن اصلی میهن‌ماوخلق‌ماو انقلاب‌ماپرده‌برگرفتند وتصمیم قاطع خود را بدفاع از دستاورد های انقلاب بیان داشتند.

بنابوعده‌ایکه داده بودیم ازواپسین تظاهرات مربوط بروزجمعه نیز اینك اطلاعاتی دراختیار شما میگذاریم. در راه‌پیمائی‌ازمیدان راه‌آهن تاپارك‌خزانه بنابدعوت سازمان‌مجاهدین خلق‌ایران، دهها هزارنفر شرکت جستند.درمیتینك

بقیه در صفحهٔ ٤

اتحاد عمل همهٔ نیروهای انقلابی
یك ضرورت تاریخی است

تظاهراتی که‌روزهای پنجشنبه و جمعه سوم و چهارم خرداد در سرتاسر ایران بمنظور اعتراض به قطعنامه سنای امریکا انجام گرفت، بیانگر این واقعیت اساسی بود که اکنون دیگر چهره دشمن عمده واصلی ایران، که میبایست تعیین کننده جهت اصلی مبارزه عمومی ما باشد، برای قاطبه مردم، صرفنظر از تفاوت در عقاید سیاسی و مسلکی و مذهبی، روشن است. بهمین جهت فریاد مرگ‌بر امپریالیسم، مرگ‌بر صهیونیسم دستیار امپریالیسم، نابود باد امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی مردم میهن‌ما در سراسر کشور طنین‌انداز بود. راه‌پیمائی‌های این دوروز تظاهری بود ازخشم و نفرت عمیق تمام مردم علیه آن قدرت جهنمی که بدست ایادی خود، حکومت ملی دکتر مصدق‌را ساقط کرد، محمدرضای تبهکار را بقدرت رسانید، سازمان جهنمی ساواك را پایه گذاری کرد، نظام ترور واختناق وشکنجه و کشتار را درمیهن ما مستقر ساخت، ارزنده‌ترین جوانان مارا در زیر ضربه‌های شکنجه، یا درمیدانهای اعدام نابود کرد، ودر پناه اینچنین نظام طاغوتی و جهنمی، با خیال راحت ده‌ها میلیارد دلار از دسترنج مردم زحمتکش میهن‌مارا دزدیدند ودر مقابل تا توانستند از پول خودما، دشمنان سوگند خورده داخلی مارا برما مسلط ساختند.

این‌دشمن اصلی‌را ما خوب میشناسیم. همه‌مردم وحتی کودکان‌خردسال هم آنرا خوب میشناسند و میدانند که‌در مدتی بیش‌از ربع قرن چه‌بر سرما آورده است.

این دشمن دچار ضربتهای سخت شده، مهمترین پایگاه خودرا که دستگاه سلطنت استبدادی محمدرضا، باتمام ابزار جهنمی‌اش بود، از دست داده و زخمهای دردناکی برپیکرش نشسته، اما هنوز از پای درنیامده و هنوز پایگاههای مهمی دراختیار دارد. هنوز عمال و جیره‌خواران آن دربین مردم ودر اقطار واکناف کشور پراکنده‌اند. اینها بیکار نمانده‌اند، بلکه باتمام قوای خود در تلاشند که انقلاب مارا از مسیر اصیل ضد امپریالیستی خود خارج سازند. حربه عمده آنها دراین تلاش، پراکندگی نیروهای انقلاب است. و بهمین جهت آنچه بتوانند برای ایجاد تفرقه و جدائی بین این نیروها انجام میدهند: از «چپ» میتازند، ازراست حمله میکنند، دست به حربه نفرت‌انگیز تروریزم میزنند، در کوچه پس‌کوچه‌ها، بمنظور ارعاب مردم، آنهارا ناجوانمردانه بگلوله می‌بندند. وهمه‌اینها حکایت ازآن دارد که دشمن بیدار و فعالانه مشغول کار وبعبارت بهتر سرگرم خرابکاری است، آنهم نه بنحو پراکنده، بلکه طبق یك برنامه حساب‌شده و از طریق یك سازمان منظم، که‌در آن از عناصر ساواکی تا عوامل سیاه ارتجاعی و بازماندگان رژیم طاغوتی شرکت دارند، عمل میکنند. اینها را پولهای بیحسابی که‌بدست شاه و خاندان سلطنتی و انحصارات بزرك و تاراجگر امریکائی ازما دزدیده و بیغما برده‌اند، اداره میکنند. بااین پولهای بادآورده است که‌این دشمنان خلق ازبین پست‌ترین و رذلترین عناصر وامانده برای خود سربازگیری میکنند.

در برابر اینچنین دشمن قوی‌پنجه، کار آزموده، بیرحم و درنده‌خو، با کدام حربه موثر میتوان و باید وارد عرصه‌ی نبرد شد؟ این حربه موثر برای اکثر سازمانها و گروههای سیاسی ناشناخته نیست ـ حربه اتحاد عمل در خطوط کلی و اساسی مبارزه، تمرکز نیروها علیه دشمن اصلی انقلاب، قطع نظر ازاختلافات سیاسی وایدئولوژیك این نیروها. اینرا تقریبا همه گفته‌اند و میگویند و برسر زبان همه است. در قطعنامه‌های مختلف روزهای پنجشنبه و جمعه‌هم باین اصل عمده توجه شده است.

ولی با تاسف تمام دیده میشود که‌در بسیاری موارد نحوه عمل برخی ازاین گروهها، با آنچه که درزبان‌راجع بوحدت واتفاق میگویند وموعظه میکنند، بنحو فاحشی تناقض دارد.

بهتر است مثال‌را از تظاهرات دوروزه سوم و چهارم خردادماه انتخاب کنیم، تا روشن شود که‌وحدت واتفاق کلمه و اتحاد عمل در مبارزه ضد امپریالیستی چگونه و بچه شکل نقض میشود و راهرا برای اختلافها و دودستگی‌ها، که ما همواره سعی کرده‌ایم در دام آن نیفتیم، باز میگذارد.

مطلب‌را بااین سئوال اساسی آغاز کنیم: هدف یگانه واساسی این تظاهرات وآن انگیزه بنیادی که بار دیگر تمام مردم را در سراسر ایران بمیدان راه پیمائی اعتراض‌آمیز کشانید، چه‌بود؟ پاسخ روشن است: دخالت

بقیه درصفحه ۵

در کنفرانس استانداران چه گذشت؟
بدون برنامه و با معیارها و شیوه‌های دوران طاغوت پیشرفت میسر نیست

اولین کنفرانس استانداران سراسر کشور، پس‌از انقلاب، در ۲۵ اردیبهشت، «با کوله‌باری از مسائل و مشکلات و نیازمندیها» (وزیر کشور) در تهران گشایش یافت. دراین کنفرانس مسائل متعددی درباره امور سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، امنیتی ونیازها و دشواریهای موجود دراین زمینه‌ها، که تقریبا تمام مسائل و معضلات داخلی پس‌از انقلاب را دربر میگیرد؛ مطرح گردید.

باآنکه طرح این مسائل‌را میتوان خود بخود امری مثبت ارزیابی نمود، ولی این کنفرانس در پایان کار خود جز طرح پیشنهادها و توصیه‌هائی که بیشتر به‌امور جاری وموقت مربوط بود، کار دیگری نتوانست انجام دهد. دلیل آنهم این است که‌دولت آقای بازرگان، علاوه براینکه فاقد یك برنامه مشخص برای تحول بنیادی ویا ایجاد شرایط برای‌چنین‌تحول‌است، هنوز خودرا ازبند قوانین‌وضوابط‌وشیوه‌های دوران‌طاغوت‌رها نساخته ودر عین‌حال مانند کسی عمل میکند که گویا از وضع ایران، نیازها، ودشواری‌های آن بی‌اطلاع است.

آقای بازرگان در آغاز این کنفرانس خودرا «کاپیتن کشتی درحال غرق» و استانداران را «مسافرینی» فرض نمود که بدستور این «کاپیتن» سوار «قایق‌های نجات» شده و به «امان‌الله» سپرده میشوند. او میگوید: «ماموریت‌هائی‌هم که‌ما میدادیم... به‌همین صورت دادیم، یعنی به امان خدا... بدون‌اینکه ماموریت دهنده از کم‌وکیف مشکلات و راه حل اطلاع کافی داشته باشد»!

استاندارانی که باین نحو برای نجات به‌دست خدا سپرده شده بودند، سه‌ماه پس‌از انقلاب، از ماموریت خود بازگشتند و «کم‌وکیف مشکلات و راه حل‌هائی راکه ناخدای کشتی از آن‌ها اطلاع کافی نداشت، در کنفرانس مطرح کردند. از سخنان استانداران معلوم میشود که‌در غیاب این «قایق‌نشینان»، «ناخدای کشتی» بیکار ننشسته وکارهائی کرده که نبایست انجام دهد وکارهائی نکرده که میبایست انجام دهد.

استاندار همدان میگوید: «برنامه‌

بقیه در صفحهٔ ۳

اطلاعیه

ما توطئه علیه جان حجةالاسلام هاشمی رفسنجانی را محکوم می‌کنیم!

ما خواستار مقابله باتوطئهٔ‌خطرناك نیروهای متحد امپریالیسم و ارتجاع هستیم!

یکبار دیگر عمال امپریالیسم و رژیم گذشته، به‌سرکردگی امپریالیسم امریکا مرتکب جنایت تازه‌ای‌شده‌اند و این‌بار حجةالاسلام هاشمی رفسنجانی را هدف قرار داده اند. مادر عین اینکه‌از نجات جان حجةالاسلام‌رفسنجانی‌ازچنك این توطئهٔ خائنانه شادمانیم، معتقدیم که این حادثه یك بار دیگر مارا باید متوجه‌آن‌دسائس‌وسیعی‌سازدکه‌امپریالیسم وارتجاع ایران، به‌سرکردگی‌امپریالیسم امریکاسازمانده‌آن‌هستند. این نیروها از هزار راه می‌کوشند تا انقلاب‌را ازمسیر ضد امپریالیستی، دمکراتیك و خلقی خود خارج سازند ونیروهای انقلابی‌را بجان هم بیاندازند و باتوسل به تفتین، توطئه، شایعه افکنی، تهمت‌زنی، ترور، تفرقه اندازی و امثال این‌نوع‌شیوه های ابلیسی، جو زهرآگینی ایجادکنند و مانع‌آن شوندکه مردم ایران درفضای سالمی قانون اساسی نوینی برپایهٔ ملی و دمکراتیك تنظیم نمایند. ماازرهبری انقلاب، شورای‌انقلاب و دولت به نوبهٔ خود خواستاریم که‌اقدامات خود رابرای عقیم‌گذاردن توطئهٔ عظیم و خطرناك نیروهای‌متحد امپریالیستی و ارتجاعی، به‌سرکردگی امپریالیسم امریکا،ده‌چندان کنند.ماازهمهٔ نیروهای‌انقلابی‌می‌طلبیم که برای‌مقابله‌باتوطئه‌های‌امپریالیسم‌وارتجاع به‌سردگی امپریالیسم‌امریکا، متحدشوند.

دبیرخانهٔ کمیتهٔ مرکزی
حزب‌تودهٔ ایران
۵۸/۳/۵

رویدادهای ایران

- حمله به کتابفروشیها
- استعفای آیت‌اله خلخالی و نگرانی مردم
- تلاش‌های سازنده در رادیو تلویزیون
- خواب‌شومی که‌امریکا برای ایران می‌بیند
- سفارتخانه‌ها لانه ساواك بوده
- تلاش ضد انقلابی خبرگزاری‌ها

«مردم» و شما

دوست عزیز الف. احمدی، نامه‌شما رسید. از مطلبی که فرستاده بودید، استفاده شد، ولی عکس متأسفانه قابل چاپ نیست. از شما و همه دوستان تقاضا می‌کنیم، اولا عکس را سیاه و سفید بردارید تا نیاز هر قدر ممکن است سفیدتر، یعنی روشن‌تر، و گرنه در چاپخانه کاملا سیاه و غیر قابل رؤیت می‌شود. منتظر نامه‌های دیگر شما هستیم.

☆

دوست عزیز ع. گودرزی. دو یادداشت شما رسید. مطالب را تا حد امکان در نظر خواهیم گرفت. بخصوص مطالب مربوط به‌پذیرش راکه دقت در آن کاملا ضرور است. درشتی و ریزی عنوان‌ها برای تنوع صفحه وجلب نظر خواننده است و تاکنون‌نیز احم‌خودمطلب نشده است. ودنکته دیگر همین‌بوط به صفحه‌بند است ودرصورت امکان انجام می‌شود، درباره یکسان‌شدن بهای روزنامه دفعه قبل نوشتیم که مربوط به تعداد صفحات وتراکم مطالب است. دستتان‌را می‌فشاریم.

☆

نامه‌خوانندهٔ عزیز ا. ف. «رسید. در مورد شعر «گل‌پولاد» هیچگونه سوء تفاهمی وجود ندارد و درشماره بعدی «مردم»، اشتباهی‌که در چاپخانه روی داده بود، باپوزش خواهی، تصحیح‌شد. پیشنهاد شمادرباره استفاده ازچسب‌موکت برای الصاق کارت پستال رفیق روزبه و سایر تراکت‌ها رانیز به‌منظور بهره‌گیری همه‌رفقاوخوادارانی‌که به‌چنین‌فعالیت‌هائی دست می‌زنند، به این ترتیب ممکن می‌کنیم. در مورد مهندسین وصنعتگران وهمکاری آن‌ها برای‌پی‌ریزی سیستم‌صحیح صنعتی نیز پیشنهاد شما درست است و ما درکار تهیه و تدارک چنین برنامه‌هائی هستیم و البته هم‌اکنون‌نیز درجهت‌کمک به‌کارگران به منظور نصب و راه‌اندازی و تعمیر ماشین‌آلات همکاری می‌نمایند. باسلام

☆☆☆

نوشین کوچولو، شاگرد کلاس اول به دفتر «مردم» آمد وقلك خود راروی میز در ورودی نهاد وگفت، این‌کمك‌من است. دوستان ما درکنار در ورودی، از وی پرسیدند چندساله است؟ آیا به‌مدرسه می‌رود و این‌که چیزی دارد به‌گوید یا به‌نویسد؟ و او نوشت:

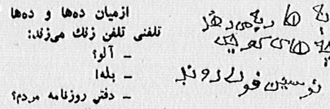

و «مردم» سپاس‌می‌گوید.

☆

خانم لاله ابراهیمی نامه‌شما در باره مطلب شماره ۱۲ «مردم» نشان می‌دهد که باتمام صداقت وحسن‌نیتی‌که دارید با روش و سیاست ومواضع‌حزب ما در باره انقلاب و آزادی ومنجمله آزادی‌مطبوعات به درستی آشنا نشده‌اید وگرنه برایتان روشن می‌بود که پاسخ بسیاری‌ازسئوالات که مطرح کرده‌اید منفی است. از آن به‌بعد در شماره ۱۴ مقاله مربوط به مطبوعات و دوسرمقاله در شماره‌های ۱۵ و ۱۶ چاپ شده‌که حتما تاکنون مطالعه کرده‌اید و به دقت، یعنی‌بدون‌پیشداوری و برای درك مواضع و نظریات ما آن‌ها را خوانده‌اید و در این‌صورت گمان می‌کنیم رفع‌هرگونه سوءتفاهمی‌شده‌باشد. خواهش می‌کنیم این موضع‌گیری‌ها راکه اصول برخورد ونظریات ما را مطرح می‌کند بار دیگر بخوانید و اگر میل داشتید بازهم برای «مردم» نامه‌بنویسید ونظر خود را بیان دارید. متقابلا موظفیت‌های شما را آرزومندیم.

رویدادهای ایران

حمله به کتابفروشیها

در روزهای اخیر از خرم‌آباد وچند شهر دیگر اخبار مربوط به حمله‌به کتابفروشیها رسیده است. این فاجعه درخرم آباد بسیار گسترده بوده‌است وگویا هفت کتابفروشی مورد تهاجم قرارگرفته است. باآنکه هویت حمله‌کنندگان‌هنوز مشخص نشده است، از روی شیوه عمل براحتی میتوان حدس زدکه عوامل رژیم گذشته، با استفاده ازاحساسات عده‌ای از هیه چهن بی خبردر بوجودآمدن حادثه نقش اصلی را داشته‌اند. بی شك نمیتوان این حـادثـه را تعمیم دارد و از آن برداشتی خاص کرد اما مسئولان دولتی و کمیته ها و پاسداران درسراسرایران وظیفه دارند که ازگسترش چنین عملی جلوگیری کنند و بقول معروف این عمل را در نطفه خفه‌کنند.

استعفای آیت الله خلخالی و نگرانی مـردم

خبرمربوط به استعفای آیت الله خلخالی‌حاکم شرع باآنکه‌خوشبختانه‌مورد قبول قرار نگرفت وهرگونه نگرانی را ازبابت این استعفا و احتمالا انعکاس آن روی ادامه کار دادگاههای انقلابی بر طرف کـرد، با تعجب و تاسف همه مبهن پرستان روبرو شد.

اظهارات آقای یزدی وزیر امورخارجه درباره سمت آقای خلخالی درداگاههای انقلابی وپاسخ و استعفای آقای خلخالی بدنبال آن، انگیزه این تاسف و تعجب بود. ما صرف نظر از هرسلیقه شخصی که در باره نحوه کار دادگاههای انقلابـی وجود داشته باشد، اعلام میدارایم‌که کار دادگاههای میبایست ادامـه یابـد و از انقلابیون مقتدری نظیرآیت الله خلخالی برای ادامه کار این دادگاهها میبایست استفاده شود. سخنان وی در باره خاندان پهلوی وهمدستان شاه مخلوع وحکـم اعدام این تباهکاران مورد تائید خلق‌بپاخاسته ایران است ونباید موجب‌نگرانی برخی ازمسئولان اجرائی سیاستهای دولت شود.

تلاش های سازنده در رادیو وتلویزیون

براساس‌اخباری که‌منتشرشده، تلاشهائی‌دررادیوتلویزیون جمهوری‌اسلامی ایران آغاز شده تا جدائی‌ها و برخوردها پایان یـابـد واین وسیله بسیار مهم ارتباط جمعی،که بعد ازپیروزی انقلاب آنچنان‌که میتواند ومیبایست نتوانسته است در خدمت انقلاب درآید، واقعا بخدمت مردم و انقلاب گرفته شود: گله حضرت‌آیت‌الله طالقانی ازکمبودهای این وسیله ارتباط جمعی ازبعد از پیروزی انقلاب و لزوم پاکسازی آن در جهت خدمت بیشتر به انقلاب نیز براین تلاشها افزوده است. گفته میشود که مذاکراتی بین کادر های ثابت و قدیمی این وسیله ارتباطی جمعی با سرپرست آن شروع شده است. ما بارها درباره شیوه اداره کردن این وسیله ارتباط جمعی تاکید کرده‌ایم که میتوان آنرا بصورت هیئت امناء ویاشورائی منتخب دولت‌ومردم‌اداره‌کرد و هدفهای دراز مدت و کوتاه مدت آنرا در جهت تحکیم دستاوردهای‌انقلاب دراختیار گردانندگان و مردم‌گذاشت.

خواب شومی که آمریکا برای ایران مـی‌بیند

درحالیکه برخی‌از نیروهای ارتجاعی تلاش‌میکنند‌که جنك مذهبی وغیر مذهبی وباصطلاح چپ‌و راست‌راه بیاندازندو درهر فرصتی ازجمله به‌تظاهرات و گرد همآئی ها استفاده میشود، جرالد فورد رئیس جمهوری سابق امریکا در باره شاه مخلوع اظهار نظرهائی کرده است که بسیار شنیدنی و خواندنی است. ایـن سخنان از جهتی دیگر میبایست برای آنسته‌ای قابل توجه باشد که آمریکا و ارتجاع وبازماندگان رژیم سرنگون شده پهلوی را فراموش کـرده‌اند و جنك حیدری نعمتی با دامن میزندند وروياى آنرادرسرمیپرورانند واین تاکیدمستمر رهبر انقلاب را که حفظ وحدت کلمه است، فراموش میکنند. آقای‌جرالدفورد گفته است که «شاه ایران‌اجازه دارد درآمریکا زندگی‌کند. شاه اگر در ایران هموطنان قدرت داشته باشد، آمریکا از نفت بیشتر برخوردار خواهدشد. درجریان جنك ۱۹۷۳ خاورمیانه شاه با تامین وسائل جنگی اسرائیل باین کشور کمك کرد و درآندوره‌به‌آمریکا نیزیاری داد. اگر ایران هموطنان زیرکنترل شاه‌باشد، ما به جای یك یا یك و نیم میلیون بشکه‌که امروز از ایران دریـافت میکنیم، ۵/۵ میلیون بشکه نفت‌دارد خواهیم کرد.»

می‌بینید‌که‌آمریکاهنوز رویای خوش‌کنترل ایران توسط‌شاه‌مخلوع رادرسر می‌پرورانند. حال اگر بطور مستقیم نشد، بطور غیر مستقیم. لازم است یاد آور شویم که آقای جرالد فورد ازباانفوذ ترین سیاست مداران آمریکاست.

تلاش ضد انقلابی خبرگزاری

تعدادی‌از خبرگزاریهای‌خارجی، که وابستگیهای‌مستقیم وغیرمستقیم به‌امپریالیسم دارند و در جهت سیاستهای استعماری‌کشورهـای سرمایه‌داری فعـالیت میکنند، همچنان به‌جعل اخبار و مخابره خبرهای دروغ و تحریك‌آمیز ادامه میدهند و دوشادوش این‌کشورها به‌دگرگون جلوه دادن انقلاب ایران ادامه مـیدهند. این شیوه عمل غیر انسانی این خبرگزاریها، برای‌آنهاکه از نزدیك دستی برآتش دارند، چندان عجیب نیست، زیرا نمونه‌های مکرر‌آنراهم درباره ایران و هم درباره‌هر کشوری‌که خلق‌آن بپاخاسته تاحاکم‌برسرنوشت خود باشد، بکاربرده‌اند. درباره این نوع خبرپراکنی شاید هنوز میلیونها ایرانی اخبارمربوط به‌مصاحبه آیت‌الله‌العظمی امام خمینی را در باره ترور استاد مطهری بخاطرداشته باشند و یا خبر مربوط به‌اظهارات‌آقای قطب‌زاده سرپرست تلویزیون جمهـوری اسلامی ایران راکه با تیتربزرك در روزنامه‌های ایران بچاپ‌رسید، هنوز از ذهن‌خیلی‌ها نرفته باشد. منظور مخابره این اظهارنظـر دروغ بـودکـه گویـا شوروی روی امواج رادیوئی ایران پارازیت می‌اندازد،که از سوی خودآقـای قطبزاده تکذیب شد و خبرآن نیز در جـراید منعکس‌گردید. آخـرین دسته‌گلی‌که این خبرگزاریها به‌آب داده‌اند، تفسیری دروغ و نادرست درباره اظهـارنظر حزب توده ایران درباره‌آزادی مطبوعات است که روزنامه‌آیندگان‌آنرا با تیتر حزب توده‌ایران و درخواست محدودیت‌آزادی مطبوعات چاپ‌کرده است.

هما نطور‌که‌گفتیم،آنهاکه از نزدیك دستی‌برآتش دارند،بخوبی ازهدفهائی که این خبرگزاریها با انتشار و مخابره خبرهای دروغ و تحـریك‌آمیز دارند، باخبرند. اماآنچه برای ما نامفهوم است و باعث درنـك میشود، دلیل انتشار این اخبار جعلی و تحریك‌آمیز توسط روزنامه‌های ایران و یا رادیوو‌تلویزیون ایران است،که در این لحظات حساس‌که سرنوشت ایران وآینده‌آن به اتحاد و همبستگی خلق بستگی دارد، قابل انتقاد است. برای ما تعجب‌آور است‌که وقتی روزنامه‌ها این امکان را دارند‌که اخبار خبرگزاریها را با منابع خبری درمیان بگذارند و خبری صحیح را منعکس‌کنند، بطور مستقیم و بدون‌نظرخواهی‌دست به‌انتشار چنین اخباری میزنند. برای نمونه براحتی این امـکان وجود داشت‌که خبر مربوط به‌مصاحبه‌آقای قطبزاده و این اظهـارنظر جعلی راکه ایشان‌گفته است شوروی روی امواج رادیوئی ایران پارازیت می‌اندازد، با خود ایشان، که فقط زحمتش یك تلفن بود،درمیان‌گذاشته شود و باخبرمربوط به‌محدودیت‌آزادی مطبوعات‌که‌گویا حزب توده ایران براساس گزارش خبرگزاری فرانسه‌خواهان آنست، با دفتر روزنامه مردم‌در تهران در میان‌گذاشته شود ویا به‌اصل‌مطلب، که‌در روزنامه‌مردم چاپ‌شده‌وخبرگزاری‌فرانسه‌گویا براساس‌آن خبرمخابره‌کرده است، مراجعه‌گردد.این سؤال مطرح‌است‌که روزنامه‌آیندگان، اگر چنین‌مطلبی‌برایش اینهمه اهمیت داشته،چرا مستقیما و قبل‌ازآنکه‌خبرگزاری‌فرانسه‌چنین‌خبرجعلی را مخـابره‌کند، از این مطلب، با استـفـاد به‌روزنامه‌مردم، استفاده‌نکرده‌است؟

با شناختی‌که ازخبرگزاریهاو نمایندگی رادیوهای‌کشورهای امپریالیستی وجود دارد و اینکه بارها و بارها هدفهای ضد انقلابی‌آنها برملا شده است، ما یکبار دیگر به‌همه‌دست‌اندرکاران روزنامه‌ها، مجلات و رادیو و تلویزیون‌هشدار میدهیم‌که با این وسواس‌ودقت‌نظر به‌اخبارمربوط به‌ایران‌که توسط‌خبرگزاریهای کشورهای امپریالیستی منتشر میشود، برخوردکنند و این واقعیت را بی‌وقفه در نظر داشته باشند‌که حفظ وحدت خود نیروهـای انقلابی یگانه وثیقـه تحکیم دستاوردهای انقلاب است، و این همان چیزی است‌که امپریالیسم جهانی، بـه‌کردگی امریکا، ازآن مطلع‌است و با تمام نیروهای خود، از جمله خبرگزاریهای خود، به‌میدان‌آمده است تا راه این اتحاد را به هرشکل ممکن، سـدکند انتشار اخبار تحریك‌آمیز و جعلی از جمله همین تلاشهاست.

سفارتخانه‌ها لانه ساواك بوده

انتشار خبر مربوط به‌کشف دستگاههای عظیم جـاسوسی ساواك درسفارت ایران در بن، یکبار دیگر این نظر همه میهن‌پرستان وآزادیخواهـان ایران‌را تائیدکردکه سفارتخانه‌های ایران در سالهای حکومت شاه ـ ساواك برایران، لانه جاسوسی بنفع امپریالیستهای جهانخوار بسرپرستی امپریالیسم امریکا بوده است و میبایست در سیستـم اداری وزارت‌خارجه و پاکسازی بنیـادی‌آن هرچه زودتر اقدام شود و همزمان با این پاکسازی، عملیات ساواك دراین زمینه برای آگاهی هرچه وسیعتر مردم از جنایات ساواك منتشرگردد.

مراسم بزرگداشت روزبه در سراسر کشور

روز ۲۱ اردیبهشت، مراسم ۲۱مین سالگرد شهادت خسرو روزبه، عضو کمیته مرکزی حزب توده‌ایران وقهرمان ملی‌ایران، درسراسر کشور برگزار شد. هواداران حزب توده‌ایران در بوشهر طی مراسمی از شهید قهرمان تجلیل کردند. درمحل برگزاری مراسم تصویر شهیدان حزب و گروه منشعب فدائی‌باببوگرافی کوتاهی نصب شده بود. پوستر بزرك رفیق‌روزبه، با نقل‌قولهائی از اونیز اینجا وآنجا بچشم می‌خورد. مراسم درساعت ۴½ آغاز شد.نخست پیرامون زندگی ،مبارزه وشهادت روزبه سخنرانی ایراد شدو سپس‌سرود حزب توسط‌گروهی ازدختران وپسران هوادار حزب خوانده شد.

● درپندرگز یك‌گروه ازهواداران حزب بانام «گروه رفیق روزبه» برای تجلیل از شهادت قهرمان ملی‌ایران اعلامیه‌ای انتشار دادند، که‌درآن‌ضمن اشاره به‌زندگی ومبارزه روزبه گفته‌شده‌است:

«خسرو روزبه ضمن پرشور ترین دفاعیات ،جنایت‌ها و خیانت های‌دستگاه حاکمه شاه‌را به‌محاکمه کشیدو محکومشان کردوحکم رابه‌تاریخ سپردتا بدست مردم ایران اجراشود.»

● دردانشگاه‌ادبیات دانشگاه‌شیرازلیز روز ۲۱ اردیبهشت مراسم یادبود عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران وقهرمان ملی ایران برگزارشد. از یك هفته قبل‌تصویرروزبه درسراسر شهربردیوارهانصب وآگهی‌بزرگداشت این قهرمان شهید پخش شد.دراین مراسم‌طبقات و قشرهای مختلف مردم شرکت داشتند ، وعلاوه بر شیرازی ها،ازشهرهای دیگر فارس نیز عده‌ای آمده بودند.

مراسم با سرودحزب «حزب ما توده را سازد پیروز» آغاز شد وسپس باحترام روزبه یکدقیقه سکوت اعلام گردید. دراین‌هنگام یکی از آموزگاران شعری قرائت کرد ،بعدازآن یکی از کارگران قدیمی عضو شورای متحده مرکزی وازاعضاءحزب توده ایران، در بارهٔ رزمندهٔ بزرك جنبش کارگری ایران ومیهن‌پرست‌برجسته‌خسرو روزبه مطالبی بیان داشت.به‌دنبال‌سخنرانی، دوقطعه شعر وگفتاری پیرامون چگونگی شرائط پدیدآمدن شخصیت بزرك واز جان گذشته‌ای چون خسروروزبه،قرائت شد.دراین مراسم تعداد زیادی از کتب و نشریات حزبی بفروش رسید.

● درمیدان‌برق شهربندرعباس، به‌مناسبت بیست‌و یکمین سال شهادت خسروروزبه ،تصویر قهرمان ملی ایران و تنی چندازشهیدان حزب در معرض دید همگان قرارگرفت‌واز آن‌استقبال‌به‌عمل‌آمد.

ازمیان ده‌ها و ده‌ها گفت‌وگوی تلفنی تلفن زنك می‌زند:

- آلو؟
- بله!
- دفتر روزنامه مردم؟
- بفرمائید!
- آقا، صفحه ۵ روزنامه اطلاعات را خوانده‌اید؟
- روزنامه هنوز به‌دفتر نرسیـده است.
- پس گوش کنید، برایتان می‌خوانم:

«آیت‌اله‌طباطبائی‌طی‌بیانی تقاضای‌مبر وعطوفت وعفو واغماض درمورد متهمین رژیم سابق نموده،. وچنانچه مجازاتی برحسب شرع انور جایز باشد بلکه لازم‌باشد، ولی اسلام را درنظر اهل دنیا بد جلوه دهد و موجب هتك آن‌شود، باید اجرای مجازات بادقت تمام مورد توجه واحیانا ازآن صرف نظر شود...»

- می‌بینید آقا؟ از چپ و راست به دادگاه‌های انقلاب حمله می‌شـود. ببخشید چپ گفتم، من چپی جدی جز شما نمی‌شناسم. ضمنا عرض کنم که من حتی از هواداران حزب توده‌هم نیستم، ولی عقل دارم، انصاف دارم، می‌بینم که شما دادگاه‌ها را تنها نگذاشته‌اید، خواهشم اینست همانطور که تا به‌حال عمل کرده‌اید، بازهم ازدادگاه‌ها حمایت و پشتیبانی کنید.

- چشم، این وظیفه ما است.

و رفیق ما در دفتر «مردم» به طرحی که روی دیوار، از دادگاه انقلاب نصب شده، نگاه می‌کند، طرحی که در شمارهٔ پیشین «مردم» چاپ شد.

دریاپان ستون «مردم» وشما قطعه شعری راکه خواننده ما سید یحیی مـرجانـی سروده چاپ می‌کنیم، شعر به رفیق عمولی عضوکمیته‌مرکزی‌حزب‌تودهٔ‌ایران‌که ۲۵ سال اززندگی خود را همراه بـاپاران توده‌ای خود سربلندومقاوم،دررندانهای شاه گذرانده است‌تقدیم شده است.

ای عمولی

ای عمولی،شاد باش نسل حاضر بر تو بـاد
شاد باش و هم درود نو جوانان برتو بـاد
قهرمـان استقامت، مظهر مـردانـگـی
یاد تو انگیزهٔ رزم و صفا و زندگی
افتخار حـزب توده، افتخار توده‌هـا
نام نیکت رهنمای پایـداری و صفا
تیغ ایمان را به فرق دشمنان خلق و
آختی همچون علی برنوگران، بی پهلـوان
در کنار روزبه، آن قهرمان نامدار
مشت ملت کوفتی بـر ارتجاع نابکار
سالها زحمت کشیدی، نقد جان‌را باختی
تا به ما ایمان پاك ومردمی آموختی
گرچه تو مردانگی از توده‌ها آموختی
لیك رسم و راه رزمیدن به ما آموختی
آفـریـن بـر قـدرت ایمان تـو
قلب مـرجـانـی بـود مـادی تـو
سیدیحیی مرجانی

«مردم» ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

دوره هفتم، سال اول، شماره ۱۹، دوشنبه ۷ خردادماه ۱۳۵۸

اخبار کارگری

تخصص کارکنان هتل بین‌المللی

کارکنان هتل بین‌المللی، به عنوان اعتراض به‌اخراج خود، برای دومین‌بار از روز ۲۹ اردیبهشت‌ماه دست به‌تحصن زدند. اخراج کارکنان بدنبال تعطیل هتل انجام شده است. متحصنین نسبت قاضائی کشایش دوباره هتل، خواستار بازگشت به‌سر کارهای سابق خود شده‌اند. آنها همچنین پاکسازی هتل ازعناصر ضد کارگر و وابسته به کارفرما، اجرای حقوقها و پرداخت هرچه سریعتر حقوق ومزایای عقب‌افتاده شیوه‌ای دریك پیمانه ۵ ساعتهای گذشته‌اند.

دولت ۱۰ روزهٔ کارگران شهرداری

رانندگان و کارگران شهرداری ۱۰ تهران، بعنوان اعتراض به حذف اضافه کاری خود، از شنبه گذشته در محوطه شهرداری بست نشستند. کارگران از تخلیه زباله‌هائی که ازمیدان شهر جمع‌آوری کرده بودند، خودداری کردند. بعنوان کارگران شهرداری و وزارت کار پس‌ازبررسی خواست کارگران متحصن، ۱۰ روز مهلت اعلام کردند تا به این تقاضا پاسخ گویند و کارگران تاکید کردند، درصورتیکه پس‌از مهلت مقرر همچنان ازپرداخت اضافه کار آنها خودداری شود، دوباره دست به تحصن واعتصاب خواهند زد.

اعتصاب کارکنان اتوبوسرانی آبادان

کارکنان اتوبوسرانی آبادان، بعنوان اعتراض به شرایط کار خود، از روز ۳۱ اردیبهشت ماه دست به اعتصاب زدند. کارکنان اعتصابی در نامه‌ای برای شهردار آبادان فرستاده‌اند، خواستهای خودرا بااین شرح ذکر کرده‌اند:

- تغییر تاریخ صدور احکام و اجرای آن از زمان تاسیس اتوبوسرانی آبادان،
- پرداخت ۱۵۰۰ ریال کمك بعنوان کرایه مسکن،
- ادغام کارگزینی اتوبوسرانی آبادان در شهرداری،
- افزایش دستمزد روزانه،
- عضویت درشرکت‌تعاونی مسکن شهرداری،
- استفاده ازیك وعده غذای رایگان در روز،
- افزایش مرخصی سالانه از ۱۲ روز به ۲۵ روز،
- پرداخت ۷۵۰۰ ریال درماه و ساختن استراحتگاه در ابتدا و انتهای خطوط اتوبوسرانی.

اجتماع کارگران درمقابل استانداری شیراز

کارگران کارگاه اسفالت سازی فورش، واقع در جادهٔ کفترك شیراز، روز ۲۶ اردیبهشت ماه، برای گرفتن حقوق عقب‌افتادهٔ خود درمقابل استانداری شیراز اجتماع کردند.

کارگاه فورش از جمله مراکزی بود که درزمان انقلاب، همراه بادیگر مراکز و محل‌های پیمایی نشین یا متعلق به پهلوی‌ها به‌آتش کشیده شد، درنتیجه ازآن هنگام تاکنون، کارگران این کارگاه، که قریب به‌صد نفر هستند، بیکار شده‌اند. صاحب کارگاه درجریان انقلاب فرار کرده و اکنون امور آن را بدرش بعهده دارد، که سعی می‌کند کارگران‌را عامل حریق معرفی کند و این تلاش مذبوحانه مورد اعتراض جدی کارگران است که می‌گویند «کارگر محل کارش‌را آتش نمی‌زند.»

یکی از کـارگـران می‌گفت: ـ «صاحب کارگاه درجریان ماههایی که کار جریان داشت، از آنها حق بیمه کسر می‌کرده، اما اقدامی جهت بیمه کردن کارگران بعمل نیاورده است.»

کارگران کارخانه ماشین‌سازی پارس (اهواز) خواهان ملی کردن کارخانه هستند

ازکارخانه ماشین‌سازی پارس، دراهواز، گزارشی رسیده، مبنی براینکه درحدود شش‌هزار نفر از کارگران ماشین‌سازی پارس (وابسته به صنایع فولاد)، بعلت عدم دریافت حقوق فروردین ماه واضافه حقوق سال قبل دست به‌اعتصاب زده‌اند. گروهی از کارگران میگفتند بیش از ۴۲۰ هزار تومان از فروش لوازم زندگی خود جمع‌آوری کرده‌اند تا به درگزارزاعتصابی‌ایران‌را کمك‌مالی کنند.

نمایندگان کارگران تا کنون با اداره کار، کارفرما و نمایندگان ستاد کارگری امام در اهواز مذاکراتی کرده‌اند، اما هنوز نتیجه‌ای نگرفته‌اند.

نمایندگان کارگران اعتصابی در نشستی کذبا نمایندگان کارفرما وستاد کارگری امام دراهواز داشته‌اند، ضمن دفاع از حقوق کارگران، خواستار ملی شدن واحد صنعتی ماشین‌سازی پارس شده‌اند.

● **کارگری سئوال‌میکند: چرا از پخش نشریات حزب تودهٔ‌ایران در کارخانه ایران کنف رشت جلوگیری میشود؟**

رفیق کارگری از کارخانه ایران کنف رشت بما چنین مینویسد:

بادرود فراوان! من کارگر ساده‌ای هستم که‌در کارخانه ایران کنف رشت کار می‌کنم. چون شمارا حزب خودم می‌دانم، لازم دیدم برای شما نامه بنویسم:

در کارخانه ما از پخش نشریات و اعلامیه‌های «کمونیستی چه‌از سازمان فدائیان خلق وچه از حزب توده ایران، جلوگیری می‌کنند وفقط پخش نشریه‌ها واعلامیه‌های‌اسلامی‌آزادگردیده‌است.

البته ما کارگران اسلام‌را نفی نمی‌کنیم ودر روزنامه مردم شماره ۱۲، شنبه ۲۳ اردیبهشت‌ماه، زیر عنوان «حزب توده ایران ومذهب» مقاله‌ای انتشار یافته، که کاملا نظر مارا منعکس میکند. حزب توده ایران حزب طبقه کارگر است و کارگرانی که مذهبی‌هم هستند، می‌توانندعضو این حزب بشوند. برای‌من چنین سئوالی مطرح است: چرا باید از نشریات حزب تودهٔ ایران که مدافع منافع کارگران و پرچمدار مبارزه علیه استعمار است، جلوگیری شود؟»

تحصن کارگران شرکت انتروپوز

صدها تن از کارگران شرکت «انتروپوز» که از مدتها پیش اخراج شده‌اند، با خواست دریافت حقوق، درمحل ساختمان مرکز این شرکت در خیابان آناتول‌ـ فرانس (خیابان شرقی دانشگاه تهران) متحصن شدند. کارگران اخراجی، در زمان اشتغال، دربخش جوشکاری خط لوله کارمی‌کردند واکثرآن‌ها کارگران فنی و متخصص‌اند. شرکت «انتروپوز» یك شرکت مختلط فرانسوی ـ ایرانی است.

در کنفرانس استانداران ...

بقیه از صفحه ۱

ریزی درادامه‌های دربسته در مرکز، اشتباهی است که در دوران گذشته نیز میشده، استاندار اذربایجان شرقی اعلام میکند: «برنامه فعلی که تنظیم شده محافظه کارانه‌تر از بودجه قبلی است، وبجز هیچ تغییر انقلابی نخواهد شد، حتی‌اینکه مردم انقلاب کرده و تغییـر میخواهند.»

استاندار گیلان ضمن تشـریح «مواد دست وپاگیر حکومت قبلی» در حال خاضر میتوان مانع انجام کارهای انقلابی است»، میگویـد: «توافس و مواردی که ازطرف استانداران پیش‌بینی میشود، معمولا مورد توجه سازمان برنامه قرار نمیگیرد».

استاندار آذربایجان شرقی چای دیگر میگوید: «وزارت صنایع و معادن باید باید خط مشی کلی در زمینه کارخانه‌های دولتی و خصوصی ارائه دهد».

استاندار چهارمحال و بختیـاری میپرسد: «ضمنا با سرمایه‌داران چه میخواهید بکنید، چرا برای پرداخت حقوق کارگران از وجود آنها استفاده نمیشود، چرا سرمایه‌داران‌را مجبور باین نرخ پرداخت نمیکنید؟» سپس اضـافه میکند: «دولت باید سیاست خودرا در زمینه صنایع ومعادن و زمین روشن کرده و بما بگوید تا بتوانیم راه حل‌های پیشنهادی خودرا ارائه دهیم».

استاندار خراسان تاکید میکند: «اگر بمقررات عمل‌شود وبه‌استانداران اختیار کافی داده شود، خواهید دید که چگونه مشکلات حل میشود» و سپس استاندار میافزاید: «وقتی به‌مردم ازفسط و بیاری صحبت میکنیم، مادامکه جامعه ما در استثمار شدید است، آنانرا فریب داده‌ایم». درحال حاضر غارتگران این مملکت و رباخواران سرپا هستند، ما ساواکی‌ها را اعدام میکنیم، ولی سواك، واین پول غارت شده از ملت‌را باید از غارتگران گرفت» و «تکلیف انقلاب‌را بوسیله‌ایجاد انقلابی‌درتعدیل نروتها روشن کرد. نروتهای زیاد جامعه را به فساد وتجمل و فحشا میکشاند و این درآمد است که سواك ساز است، اگر باز اجازه داده شود زیر چتر جمهوری اسلامی این نروتها انباشته بماند، باید فاتحه انقلاب و قسط وعدل اسلامی را خواند».

واما کسانیکه مسئـولیت مستقیم حل این مسائل و پاسخ به آنهارا دارند، چه میگویند؟

وزیر کار و امور اجتماعی معتقد است که «پیش‌از آنکه نمایندگان ملت تکلیف مالکیت‌را تعیین کنند، نمیتوانیم سیاست قطعی داشته باشیم».

وزیر صنایع و معادن میافزاید: «باید منتظر قانون اساسی بود که‌تکلیف مالکیت را روشن کند».

و بالاخره وزیر مشاور و سرپرست سازمان برنامه وبودجه، آب پاکی روی دست همه استانداران میریزد و میگوید: «بجای آنکه دست کمك بسوی دولت دراز کنید، ازمردم کمك بخواهید و اگر بدولت اعتماد دارید، از خودتان مایـه بگذارید»(!؟).

از اینجاست که استاندار سیستان و بلوچستان اشك درچشم ناله میکند: «ما قبل ازاین کنفرانس بامید حمایت از تهران خوشحال بودیم، لیکن در آخرین روز کنفرانس من اعلام میکنم که حتی دل و جرات خودرا برای ادامه کار ازدست داده‌ام».

با درنظر گرفتن این واقعیت‌های تلخ است که معاون وزارت کشور، که ریاست جلسـات کنفرانس را بعهـده داشت، اعلام میدارد: «انقلاب فرهنگ خودش‌را میخواهد، اگر انقلابی اتفاق افتاده، که‌افتاده، بایدقرآنین، زبان،فرهنگ ومعیارهای‌مربوط به‌انقلاب داشته‌باشد، در حالیکه می‌بینیم همان زبان، معیار و روش گذشته است که اعمال میشود، در جلساتی که گذشت و وزیران‌مربوطه به‌مسائل مختلف دران شرکت کردند، هر کدام محدوده‌قدرت خودشان‌را توجیه و ترجیح کردند. وبما توصیه کردند که چشم گریان به جوانان بکوئیم که نداریم... نباید در اطاقهای دربسته بدون اطلاع برای نقاط مختلف تصمیم‌گیری کرد». باروشی که اتخاذ شده بزودی از میزان محبوبیت دولت کاسته شده... از مقررات گذشته که کار را به‌فاجعه کشاند باید چشم پوشید... از دستگاه دیوان‌سالاری نباید هیچ کاری بر نمیاید. سازمان برنامه و سایر وزارتخانه‌ها هیچیك متخصص خاص شرایط انقلاب را ندارند.

انقلاب ایران، انقلابی بود علیه امپریالیسم و علیه رژیم استبدادی. امپریالیسم و رژیم دست‌نشانده آن عواملی بودند که مانع پیشرفت اقتصادی و اجتماعی وسیاسی وفرهنگی کشور ما بودند. برای تامین این پیشرفت باید تمام نهادها ومظاهر سلطه امپریالیسم و استبداد را ازمیان برداشت. هرگونه چشم‌پوشی و اغماض، مسامحه وگذشت دراین امر مهم، انقلاب‌را به بی‌ثمری و شکستی خـواهد کشاند. پیگیـری و دقت در ریشه کن کردن تمام نهادها ومظاهر رژیمی که مانند قنه درختی برافتاده، ولی هنوز ریشه کن نشـده، عمده‌ترین ومبرم‌ترین وظیفه یك دولت واقعا انقلابی است.

دولت موقت آقای بازرگان باستناد اینکـه این دولت، یك دولت انتقـالی است، از اقدام قاطع علیه بقایای سلطه امپریالیسم و آثار و پازماندهای رژیم سابق خودداری میکند. همانطور که در کنفرانس استانداران منعکس شـد، قوانین وآصول وموازین وضوابط دوران رژیم برافتاده پیکری، که‌بانق گستردش اینکار و اقدام انقلابی است، هنوز دست وپای مجریان را می‌بندد. این دولت از اقدام علیه سرمایه‌داران خائنی که‌سالها مردم ایران‌را غارت کرده و اکنون با میلیونها و میلیاردها ثروت نامشروع خود به‌دامن اربابان خود درخارج پناه برده‌اند، به بهانه اینکه مسئله مالکیت را قانون اساسی جدید باید حل کند، خودداری میورزد. ولی، اگرهم بتوان گفت که‌برای حل مسئله مالکیت بطور کلی، باید منتظر تصویب قانون اساسی جدید شد، این مسئله هیچ ارتباطی با «مالکیت» مشتی غارتگر و خائن فراری ندارد. مگر دادگاههای انقلاب برای مصادره «اموال» شاه والقابان و خرم و نظایر این جنایان غارتگر، برپایه قوانین و ضوابط دوران پهلوی عمل میکنند و ویا منتظر قانون اساسی جدید هستند؟

شگفت آنکه دولت موقت نه‌تنها علیه این سرمایه‌داران اقدام نمیکند، بلکه نقش نامیمون قیمومیت آنان‌را نیز بعهده میگیرد و چهبسا دادگاههـای انقلاب را، بعلت پیگیری و قاطعیت‌شان، مستقیم وغیرمستقیم زیر فشار و مورد سرزنش قرار میدهد. معلوم نیست این دولت موقت که هنوز قوانین و ضوابط دوران پهلوی را، چه‌در امور سیاسی وچه درامور اجتماعی واقتصادی، بقوت خود باقی میداند، برسر کار آمدن خود را چگونه توجیه میکند؟

دولت انقلابی از آنجهت موقت و انتقـالی نیست که باید ادامه دهنده سیاست‌ها وشیوه‌هـای رژیم سرنگـون شده باشد، بلکه از آنجهت انتقالی است که‌باید بااجیاد شرایط عینی و ذهنی، راه را برای دوران پیشـرفت، برپایه بنیان‌ها واصول وقوانین انقلابی جدید هموار سازد، واین کار جز ازراه زیرپا گذاردن معیارهای کهنه و فرسوده رژیم سابق میسر نیست.

آقای بازرگان، که‌در حساس‌ترین لحظات تاریخ، سکان کشتی درهم‌شکسته ایران‌را بدست گرفته، نباید از «کم و کیف مشکلات وراه حل، آنها «اطلاع کافی» نداشته‌باشد وکارهارا به «امان خدا» بسپارد. واگردرواقع چنین است، حق نداشت‌که‌این مسئولیت بزرك را سرنوشت‌ساز را بعهده بگیرد. آقای بازرگان، یابعلت این بی‌اطلاعی ویا بعلت عدم توانائی، برنام

بقیهٔ از صفحه ۱

امپریالیسم امریکا دشمن...

ویادربرابرجوخه‌های اعدام بـــه قتل رساندند. این مستشاران وکارشناســان نظـامی امریکا بودند کـــه نقشه شیطانی بمباران تهران وسایرشهرهای کشوررا با هدف نابودکردن هزاران هـــزار مـــردم بیگناه، که علیه رژیم طاغوتی قیام کرده بودند، طرح‌ریزی کردند. این کارتررئیس جمهوری امریکا ودولت امریکا بودند که تا آخرین روز ازشـــاه مخلوع، این جلاد خلقهای ایـــران، حمـــایت و پشتیبانی میکردند.

امپریالیسم امریکا از نخستین روز پیروزی انقلاب مردم ایران لحظه‌ای هم ازدسیسه‌ها وتوطئه‌ها وتحریکات وخرابکاری، چه‌مستقیم وچه‌بوسیله عمال سرسپرده‌خود وبازمانده‌های رژیم شاه‌مخلوع وآدمکشان ساواکی، علیه انقلاب مـــردم ایـــران و دستاوردهای آن، ازپا نیاستاده است.

این‌عمال امپریالیسم امریکا هستند که‌به ایجاد تفرقه و خرابکاری در میان اقشارمختلف خلقهـــای ایران در نواحی مختلف‌کشـــور می‌پردازند، و بـــرسر راه پیشرفت‌انقلاب‌مانع ایجادکرده‌ودستاورد‌های انقلاب را تهدید میکنند.

تصمیم دولت امریکا مبنی بر تشکیل نیروی ضربتی صدهزارنفری برای‌اعزام به‌منطقه خلیج‌فارس ازاقدامات‌مداخله‌گرانه نظامی امپریالیسم امریکاست، کـــه درست علیه‌انقلاب ایران وتهدیداستقلال وامنیت میهن ما اتخاذشده است. بدنبال همین تصمیم است‌که سنای‌امریکا به‌حملات تبلیغـــاتی وسیـــاسی علیه انقلاب ایران می‌پردازد وعملا درامور داخلی‌کشور ما گستاخانه مداخله میکند.

دفاع وحمایت سنای امریکا ازیـــک مشت تبهکارخائن به‌مردم ومیهن ما، که بوسیله دادگاههای انقلابی بـــه مکافات جنایات وافعال پلید خـــود میرسند، در واقع حمایت وپشتیبانی ازمنافع ومواضع اقتصادی وسیاسی و نظـــامی ازدست رفته امپریالیسم امریکا وصهیونیسم است، کـــه بدست ایـــن مزدوران و مستشاران وکار شناســـان امریکائی واسرائیلی درایران حفظ وحراست میشد.

پیروزی انقلاب مردم ایـــران‌علیه رژیم خود فروخته شاه مخلـــوع و سلطهٔ استعماری‌امپریالیسم امریکا پس‌ازشکست ننگین این امپریالیسم جهانخـــوار در ویت‌نام، بزرگتریـــن ضربتی است کـــه برمواضع نظامی وسیاسی واقتصادی‌امریکا دراین منطقه وارد آمـــده است. بیهوده نیست‌که کسینجر، وزیر امـــور خارجه پیشین امریکا پیروزی انقلاب در ایران را برای امپریالیسم امریکا یک شکست استراتژیک بمقیاس مجموعه سیاست‌امریکا درجهان و بویژه درمنطقه میداند.

اقدامات توطئه‌گرانه و تبـــلیغات تحریک‌آمیز علیه‌انقلاب‌ایران که‌ازسوی امپریالیسم امریکا انجام میگیرد، نشانه درستی‌واهداف‌شعارهای‌عمده‌انقلاب‌ایران یعنی‌سرنگونی‌رژیم‌طاغوتی‌وپایان‌بخشیدن به‌سلطهٔ سیاسی و اقتصـــادی و نظامـــی امپریالیسم،وبه‌سرکردگی‌امپریالیسم‌امریکا در ایران است.

امروزکه انقلاب ایران به نخستین هدف عمده خود نائل آمده و جمهوری اسلامی درکشور استقرار یـــافته، تمـــام نیروهای‌انقلابی باوحدت عمل و«وحدت کلمه» باید درسمت اصلی مبارزه، یعنی مبارزه علیه امپریالیسم، بسرکـــردگی امپریالیسم امریکا و بخـــاطر دفـــاع از دستاوردهای انقلاب دربرابر توطئه‌ها و تحریکات و مداخلـــه‌گـــری آن بسیج شوند. بایستی تمام رشته‌هائی راکه‌امکان این‌تحریکات‌ومداخلات‌رامیسر میسازند، ازریشه قطع نمود. موافقت‌نامه‌ها و قرار دادهای موجود میان امریکا و ایـــران و بویژه قرارداد نظامی دوجانبه ایران و امریکا امرهـــای مؤثری هستند بـــرای ادامه و گسترش اقدامات خرابکارانه‌علیه دستاوردهای انقـــلاب و تـــخریب در راه پیشرفت وبه‌ثمر رســـاندن آن، در دست خائمهٔ آن، منجمله پیام آیت‌الله‌طالقانی خوانده شد که‌ازپشان‌طی آن ادامه‌مبارزات تاناپودی آثار استعمار وامپریالیسم و استبدادرا خواستار شدند، مســـودرجوی از رهبران سازمان مجاهدین خلق طی نطق مبسوطی از جمله گفت‌که رمزوحدت مقدس ما تادیروز «مرگ بـــرشاه» بود و امروز «مرگ‌بر امپریالیسم امریکاست. وی هشدار داد‌که توطئه گران امریکائی خیال دارند باتدارک وسیع، انقلاب‌مارا با تفرقه‌اندازی به‌جنگ داخلی بکشانند ومحیط مناسبی برای روی کار آوردن گروهی دیگر از دست نشاندگان خـــود بوجود آورند.رجوی علیه « طاغوت‌های بزرگ جهانی، یعنی‌سازمان سیاوپتاگون امریکا و عوامل‌صهیونیسم» هشدار داد.

درتظاهرات اعتراض آمیز نخست جمشید، گروه‌های مختلف ازجمله‌جنبش مسلمانان مبارز و سازمان چریـــکهای فدائی خلق شرکت‌داشتند. «امریکاشعن خلق مستضعف ایران است» ازجمله‌شعار های گروه اول‌وپیروزی نهائی‌ـ‌اخراج امریکائی»، ازشعارهای سازمان چریکها بود.

درهمهٔ شعارهای ضدامریکائی و ضد امپریالیستی،ضرورت وحدت همه‌نیروها شنیده میشد.

متأسفانه گروهی بدون نام ونشان، زیرعنوان شعارهای بظاهر مذهبی، ولی آشکارا نفاق‌افکنانه،بصفوف این‌تظاهرات بارها حمله بردندوسعی دردتحریک‌وبرهم زدن وضع را داشتند و عده‌ای توانستند ترتیب مضروب‌ومجروح شدند درحالیکه مسئله اصلی تظاهرات در همه‌جا وتوسط همه‌گروهها، اعتراض علیه امپریـــالیسم امریکابود این‌عده‌شعارهای ضدکمونیستی میدادند ومیکوشیدند انظاررا از دشمن عمده میهن وانقلاب مامنحرف‌کنند.شعار مردم درپیاده‌روها عبارت بود از «تفرقه، جدائی ـ سلاح امریکائی»، که‌خودبهترین نشانه روشن بینی ودرک سیاسی است.

همچنین درشهرهای مختلف ایران تظاهرات گوناگون برپاشد. درقائم‌شهر (شاهی سابق) دوستون مختلف بحرکت درآمد. درساری و بابل راه‌پیمائیهائـــی انجام شد.دردزفول و سمنان، درخرمشهر وبندرعباس، درزنجان و اصفهان، دریزد و اهـــواز، در کازرون و قزوین بـــانه و قم‌وکاشان. تائین‌وکاشمر،دزفول‌وچالوس درگز و رفسنجان، مهاباد وخرم‌آباد.ـ اگر شعارهای وارهم برشمریم بایـــد نام تمام شهرهای ایران را ذکـــرکنیم ـ تظاهرات متعدد‌ومشابه‌ای‌علیه‌امپریالیسم امریکا ودسایس آن برگزار شد. بویژه پیش روشن شد‌که تاچه‌اندازه خلق‌ها و انقلاب ما باتحاد وبازهم اتحاد بخاطـــر دفاع از دستاوردهای خـــود نیازدارد و تاچه‌اندازه هرگونه‌نفاق افکنی‌وجدائی طلبی زیرهرنام و لباسی‌که باشد تنها و تنها بسود ضد انقلاب است.

درشهرهائیکه کنسولگـــری امریکا وجود دارد، تظاهر کننده‌گان در بـــرابر آنها نفرت خودرا ازفتنه انگـــیزیهای امپریالیسم بیان‌کردند. دربسیاری‌نقاط عروسکهائی کـــه شبیه‌سازی امپریـــالیسم امریکا بود و یاپرچمهای امریکا بعلامت اعتراض بآتش‌کشیده شد.

مردم ایران بااقدرت کامـــل وبـــا هماهنگی بسیار ـ اگرچه متأسفانـــه در ستونهای گوناگون ـ پاسخ قاطع خودرا بدسایس‌امپریالیسم امریکاوزمرهاپشیهای سنا ودولت‌امریکا وسیاست‌بازان‌امریکائی که همچنان خوابهای تیره‌وتـــار بـــرای کشورما میبینند، دادند. **«بعداز شاه، نوبت امریکاست»**. حقانیت و فعلیت این شعار، دیروز نیزمـــانند روزهـــای ماقبل، باردیگر و بوضوح توسط خلـــق قهرمان ایران تاکید شد.

بقیه از صفحه ۱

روز جمعه ...

ضدانقلاب خزنده

ضدانقلاب یعنی چـــه ؟ اسلوب کارش‌کدام است؟ چگونه باید باآن مقابله‌کرد؟

۱ـ ضدانقلاب یعنی‌چه؟

وقتی‌میگوئیم «ضدانقلاب»، منظور ما اتحاد ارتجاع ایرانـــی و امپریالیسم جهانی است. رژیم پهلوی سرکوب شده، ولی‌پایهٔ اداری ـ اجتماعی‌این رژیم‌باقی است. پایهٔ اداری آن (و در مرکز آن «نیروهای تشییقی») وپایه اجتماعی‌آن (ودر مرکز آن سرمایه‌داری‌بزرگ‌وابسته به‌انحصارهای امپریـــالیستی)، هنوز در جامعه‌ما فعال است. بخشی از این پایه، همراه ارباب، کوچیده است ولی‌بخشی در درون جـــامعه، پـــامنتظر روزهـــای مساعدتری‌است یا بصورت گروههای‌مفتش، توطئه‌گر، هراس‌افکن، یاغی وتروریست وشایعه‌پرداز، بصورت افرادی‌کـــه جامعه عوض‌کرده و درصفوف نیروهای انقلابی رخنه یـــافته‌اند، فعالند. امید روزهای خوشتر را ازدل بیرون نکرده‌انـــد. به تائیدات ارباب امپریالیستی خود چشم امیددوخته‌اند.

باین نیرو ابداً واصلا نباید کم‌بها داد.

اما منظوروما ازامپریالیسم جهانی، در درجهٔ اول امپریالیستهای امریکا و انگلیس وسرویسهای جاسوسی آنها(سیا وانتلیجنس‌سرویس) ودست‌نشاندگان آنها درمنطقه (اسرائیل ومصر) و سازمانهای جاسوسی وابسته‌بآنهاست (مانند موساد ـ سازمان‌جاسوسی‌ماهر وخطرناک‌اسرائیل) شبکهٔ عمال امپریالیستی در ایران وسیع است. آنها در کشور مـــا دهها سازمان «پوشیده» داشتند، که‌امروز نیزبه‌حیات خود ادامه میدهند. آنها ازفرآن‌گرفته تاکاپیتال‌مارکس را مابلند بخدمت‌هدف های پلیدخود قراردهند.

مابین این‌دو «نیرو» وحدت عمل‌و هدف حکم‌رواست و در زیـــر درهری ازکشور، واحد امپریالیسم‌امریکا، این نیروهادرصحنهٔ جهانی (ازصحنه‌مطبوعات ومجـــالس بین‌المللی مـــانند سنای امریکا گرفته، تاصحنه‌داخلی) به‌صدزبان وشیوه، باهزاران‌چهره‌وچاره، عمل‌می‌کنند ودرعین تنوع عظیم شکل عمل، محتوای کار همه‌اشان یکـــی است، عقیم گـــذاردن انقلاب و بازگرداندن قدرت ارتجاع و امپریالیسم درایران، به‌شکلی‌که مناسب با امکانات آنها باشد؛ در یک کلمه، بازگرداندن «بهشت گمشده».

۲ـ اسلوب‌کار ضدانقلاب

اسلوب‌کار ضدانقلاب بطور عمده‌در چهار عرصه است،

الف) کوشش برای ایجاد**آشفتگی وفلج‌اقتصادی** وقحط‌وغلا بدین‌منظور عمال آن، گاه تحت عناوین و بهانه‌های ظاهرفریب، تلاش عظیمی بکار می‌برند تا چرخهای اداری وصنعتی‌کشاورزی‌یاکند بگردد، یـــا بالمره بایستد. انقلاب و **لرزه‌ها وزلزله‌ها و مشکل‌های ناشی از آن**، برای این نوع بهانـــه‌سازیهای فریبنده، هزاران دستاویز مساعد ایجاد می‌کند. تعطیل‌کارخانه‌ها، بستن‌مغازه‌ها، کوچ اقتصادی، خارج‌کردن سرمایـــه‌ها، بایکوت معاملات، ایجادمحیط کم‌کاری‌و بیکاری درمؤسسات وغیره، اقدامهائی‌است که ضدانقلاب یا مستقیم و یاغیرمستقیم، بدان دست می‌یازد و سپس خود آنها را وسیله «مؤکردن» انقلاب قرار میدهد.

ب) کوشش برای **برهم‌زدن نظم وامنیت** درشهرها وراههای‌کشور، شایعه پراکنی‌وهراس‌افکنی برای‌ایجادنگرانی روحشت. بدین‌منظور بانده‌های مسلح‌ضد انقلابی، تروریست‌ها، راهزنانی (از نوع پالیزبان) مشغول فعالیتند. هدف آنست که‌همه‌فکر کنند«بارفتن‌شاه، امنیت‌از کشور رخت بربسته‌است» ، لذا نتیجه بگیرند، «ای‌کاش وضع سابق برگردد»!

ج) کوشش‌برای‌ایجاد**تفرقه‌سیاسی وایده‌ئولوژیک** عمیق بین‌گـــروهها و مسیر این تفرقـــه بسوی مقابلـــه‌هـــای خصومت‌آمیز تاحد درگیری واگربتوان (کـــه‌برای رسیدن بـــآن رهبران سیا و انتلیجنس‌سرویس حاضرند درهمهٔ کلیساها دعای خیرکنند!) انداختن سران انقلاب بجان یکدیگر بقصدمعنویکدیگر. «سیا» و « انتلیجنس سرویس» درهمگانیسم ایجاد نفاق واختلاف استادند، یکی‌ازشیوه‌های این سازمان‌های دوزخی را میتوان شیوهٔ «بزرگ‌گیری تـــراکمی» نـــامید، منظور آنست‌که بین دوطرفی‌که باید‌نفاق ایجاد شود، از رخدادها و گفتارها ونوشته‌های قابل بهره‌برداری، بـــاپزرگ‌کردن آنها بالافاصله بهره‌برداری شود وبـــا متراکم کردن تـــدریجی این رویـــدادها، ابتدا فضای «سوءتفاهـــم» وسپس «سوءظن» سپس «عدم‌اعتماد» وآنگاه «خصومت» و سرانجام «درگیری‌خصمانه» ایجاد گردد. سیا و انتلیجنس‌سرویس مطمئن‌اند بس‌از آن دیگر چرخ‌جهنمی عداوت خودبخود خواهدچرخیدو کارمایه‌پرخرش‌خانها نسوز خود را خود پدیدخواهدآوردواحتیاجی به‌فرد ثالثی نیست!

د) کوشش برای **ایجاد نفاق بین خلق‌ها و ملیت‌های** مختلف ایـــران. حـــوادث سنندج وگنبدکاووس و نقـــده، آثـــاری است از این کوشش . در میان آذربایجانیها، کردها، بلوچ‌ها، در میان عربها این کوشش ادامه دا ـ د. یکی از اسالیب مهم نفاق در ایـــن زمینه، کـــه سرویسهای جاسوسی امپریالیستی در آن استادند، آنست‌که عمال آنها، در موضع گیریها و قطب‌های مقابل نشسته‌اند و بدست‌هم بهانه میدهند. یکی‌بهانه‌میدهد وآن دیگری بهانه‌را «پل» می‌گیرد. او بنوبه‌خود بااین پل‌گرفتن، بهانه میدهد و طرف اولی پل می‌گیرد. مثلا یکی در محافل دولتی یا روحانی حرفی میزند، عملی می‌کند کـــه اگر متلداند نباشد، لااقل نـــاسنجیده است. یکطرف‌به میدان فریاد غضبناك طرف مقابل، که خود را جریحه‌دارمیشمرد، برمی‌خیزد، ای‌چه‌بسا که «جریحه‌دارکستن» درمورد هر دو طرف یکی است. (گاه خودشان هم نمیدانند و طعمهٔ معصوم بـــازیهای پس پـــرده قرار می‌گیرند. اما‌صحبت برسر نیات نیست، بلکه صحبت برسرنتیجهٔ عمل است). این این اسلوب نیز چیزی است نظیراسلوب «تراکمی»، که در بالا از آن یـــادکردیم اسلوبی‌است‌مانندبازی «دستش‌دزد» ایرانی، بقول‌مثل معروف، «کله‌داریم آرك‌وارك، توپ‌کنی من پرتوك».

۳ـ وظایف نیروهای انقلابی

اگـــر آنچه در بند اول ودوم این گفتار گفته‌ایم درست است، پس‌نیروهای انقلابی، اعم‌ازطرفداران «پیش‌توحیدی و جاهمهٔ قبـــل اسلامی»، «طرفداران راه مصدق»، «مجاهدین‌خلق»، «چریکهـــای فدائی خلق»، اعضاء «حزب تودهٔ‌ایران» مطبوعات وجمعیت‌ها‌وسندیکاهای‌مختلف روشنفکری، کارگری، کارمندی، جمعیت های دهقانی ودیگر نیروهائی‌که در این انقلاب ذیمدخل وذینفعند، بایدچشمهای خودرا باز وبازتر و بازهم بازتر کنند، اگر انقلاب شکست بخورد ، کسی از ما پیشی‌جستن‌های خودخواهانه و نفاق‌ونقار گروهی، بازی‌کرد.

همانطور کـــه حـــزب تودهٔ ایران بی‌خستگی تکرار می‌کند، باید توانست مقابله افکار ونظریات را (کمدر مرحله کنونی‌انقلاب ناگزیراست) باروشی‌انجام داد که بـــه دشمن مشترك، به‌ضد انقلاب میدان‌ندهد. **بایدوحدت‌صفوف انقلابی را در زمینه هدف اساسی انقلاب و درعمل اساسی‌جنبش به‌هرقیمتی‌که هست حفظ‌کرد** . این‌است‌وظیفهٔ عمده‌ا این وظیفه ابداً مانع استقلال‌احزاب و گروهها ومطبوعات وآزادی آنها نیست، آزادی واستقلال **مسئول و هوشیارانه** سازمانها درعین حفظ همبستگی و شور و توافق‌جمعی آنهاء هراسلیوب جز این فاجعه‌انگیز است

پرسشها وپاسخ ها

چند تن از دوستان درباره«فرضـــه ملی»که درزمان حکومت‌ملی‌دکتر‌محمد مصدق انجام شد وروش حزب‌توده‌ایران که به آن نپیوست سئوال کرده‌اند. البته جملات وطرز پرسش متفاوت است، ولی مضمون، همان موضع حزب درهـــرابـــر اقدام دولت مصدق به اخـــذ قـــرضهٔ ملی است.

مـــوقعیکه «قـــرضهٔ ملی» توسط دکتر مصدق، اعلام شد، حزب تودهٔ‌ایران به‌آن نپیوست واین یك عمل اشتباه آمیز بود. درحالی‌که درواقع خودحزب قبل‌ازآن، مبتکر جمع آوری کمك وقرضه‌ملی‌بود. دراین باره‌توضیح‌می‌دهیم، درماه‌های‌اول سال ۱۳۳۰، هنگامی‌که دولت‌ملی‌دکتر مصدق در نبرد با شرکت نفت انگلیس ودولت انگلستان ، درگیر گرفتاریهای مالی بود، این نخست حزب توده بودکه کارگران وسایر مردم رابرای دادن‌کمك مالی به دولت بسیج می‌کردوزمینه‌برای آن‌که یك همکاری وسیع به وجودآید و دکترمصدق باقرضه ملی، به‌صورت‌تظاهر یك‌همبستگی‌عمومی علیه‌استعمارمـــواقفت کند، فراهم مـــی‌شد . اول حزب شروع به جمع آوری اعانه کردبه ویژه در‌بین کارگران .حزب‌با پیشنهاد همکاری دادو جریان کم‌کم، علی‌رغم خـــامـــی هـــا و پیشداوری‌هاوارزیابی‌های‌نادرست، به‌سوی وحدت عمل می‌رفت، و این درست همان چیزی بود که می‌توانست کابوس مرك امپریالیسم باشد، اتحاد همهٔ نیروهای‌ضد امپریالیستی‌دردرجهٔ‌اول‌توده‌ای‌ومصدقی. اما امپریالیستها وعمال آن‌ها،کـــه در جامعه ودردرون دولت‌بکار‌نشسته‌بودند، درست‌به‌همین جا ضربه‌زدند. یعنی‌باترتیب دادن خونریزی ۲۳تیر ۱۳۳۰ ، پل ـ هائی راکه در حال ساخته شدن بوددرهم شکستند و با اقدام تحریك آمیز خود وایجاد عصبانیت وسوء تفاهم، رشته‌هائی را که می‌رفت به هم پیوند داده شود،از هم‌گسستند. درآن روزنیروهای مترقی‌و ضد استعماری ودر رأس‌آن‌ها حزب‌تودهٔ ایران، تظاهراتی را علیه دسایس ایالات متحده‌آمریکاسازمان‌داده‌بودند‌که به‌دستور سرلشگر زاهدی، وزیر کشور در دولت مصدق، همان زاهدی‌که سپس کودتا کرد، این تظاهرات بخون کشیده شد و وضع بسیارخوبمی ایجاد گـــردید. دامنه سوء تفاهم، سوءقضاوت وارزیابی غلط بـــالا گرفت. نیروهائی‌که میبایست‌متحدأعمل کنند،در واقـــع بـــه دام فتنه انگیزان افتادندودر مقابل‌هم‌قرارگرفتند .بمااین انتقاد وارد است‌که درآن موقع بین دو جناح درون دولت و درون جبهه ملی ، جناح ملی و ضد امپریالیستی ، که دکتر مصدق‌رهبری‌آنرا داشت، وجناح مزدور امپریالیسم خرابکار، که زاهدی عامل آن، در درون دولت و بقائی‌ها درخارج بودند ، تفاوت قائل نشدیم . زمینه‌های چپ روی موجود در حزب توسط این حادثه‌تقویت‌شد.ازآن طرف نیز حملات و بدگوئی‌ها و افترا‌ها بحزب ماشدت یافت . در این دوران است‌که قرضه ملی اعلام شد و حـــزب، بنا بمیان اردلیی اشتباه آمیز ، در ایمورد نیز نتوانست موضع درستی اتخاذکند، اگرچه خودش قبلا پیشقدم وپیشنهاد دهندهٔ‌آن‌بود .این دوران بمدأو به‌ویژه پس از رویدادهای ۳۰تیرسال بعد و توطئه‌کودتای ۹ اسفند ۱۳۳۱ به‌تدریج پایان یافت و حـــزب توانست بر ناپختگی و داوری غلط غلبه کند و روزدرست حمایت‌کامل از کلیه اقدامات‌ضدامپریالیستی‌وملی‌دولت‌دکتر مصدق را در پیش گیرد. نمونه‌های آن فراوان وعالی‌ترینشان شرکت‌دررفراندم بود . این وقایع تنها اهمیت تـــاریخی ندارد، بلکه‌دارای اهمیت عملی روزنیز هست . حزب ما از تجربه تاریخ گذشته می‌آموزد وپی‌می‌کوشد تادرست‌ترین روش و سیاست راکه‌به‌اتحادکلیه نیروهای ضد امپریالیستی کمك‌کند و درحال حاضر ضدانقلاب را در لباس‌گوناگون‌سیاسی و اقتصادی و اجتماعی سرکوب‌سازد، اتخاذ نماید . وظیفه همه مبارزان صدیق است که ازتجربیات‌مثبت و منفی گذشته برای انتخاب درست‌ترین راه استفاده کنند .

«دوست‌عزیز ن. م. همرای، نامه شما رسید. پیشنهاد شما درباره تصرف امـــوال کلیه اموات بـــه نفع اجتماع پیشنهاد درستی نیست. مالکیت شخصی‌افراد برروی‌اشیاء ومتعلقات‌خودکه جنبه مصرفی و استفاده شخصی وخانوادگی دارند حتی در پیش رفته ترین جوامع‌سوسیالیستی کاملامحترم است وکسی آنها را ضبط نمی‌کند‌یعنی حق به‌ارث باقی‌است. البته‌آنچه‌که گفتیم درمورد مالکیت‌شخصی‌بر آن‌گونه‌اموال‌و اشیاءاست. نفع‌اجتماع‌رادرجای‌دیگر باید جستجوکرد . آنچه‌که‌باید‌برافتد**مالکیت بخصوصی** بروسایل تولید است که خود ریشه ووسیله استثمار فردی‌ازافرادودیگر است‌که درمرحله دیگری‌ازتکامل‌جامعه ما مطرح خواهد شد.

پیشنهادهای‌دیگرشما درباره‌تامین‌کودکان حق به کاروبیمه بیکاری وبیمه بیماری برای همگان کاملادرست است ویك‌دولت متکی بخلق باید این بر نامه‌راعملی‌سازد وما دراین راه خواهیم‌کوشید.

پیشنهاد آخرشمادرمورد‌تحصیلات‌حداقل درست‌است‌ولی تاعالی‌ترین‌مدارج دیگر وابسته است به‌استعداد وتوانائی‌هرجوان وذوق وتمایل او. به نظرماوسیله‌آموزش وپرورش باید برایگان وبطورمساوی‌در دسترس همگان باشد وهیچ نوع‌موانع طبقاتـــی و خـــانوادگـــی و شغلی و منطقه‌ای نباید جلوی ادامـــه تحصیل‌را بگیرد‌که آن نیزمطابق با نفع جامعه و طبق برنامه‌همه جانبه‌ای‌تنظیم‌باید‌گردد.

رویدادهای جهان

* اسرائیل و همدستانش همچنان تجاوز می‌کنند

خبرگزاری فلسطینی «وفا» اعلام‌کردکه عصرروز دوشنبه توپخانه سنگین اسرائیل و راست‌گرایان مسیحی‌لبنان‌اردوگاه فلسطینی‌ها رادرر‌شیدیه وحومه آن زیرآتش گرفتند.

چریك‌های فلسطینی نیزمتقدکردشدند‌که همزمان‌با بمباران‌اردوگاه‌آوارگان رشیدیه‌یکی‌ازدهکده‌های‌مجاورجنوب‌لبنان نیززیرآتش‌توپخانه‌مرتجی‌اسرائیل‌قرار گرفت. دربیانیه فرماندهی‌اعالی سازمان آزادی‌بخش فلسطین آمده‌است‌که راست گرایان مسیحی‌لبنان زیر حمایت حملات اسرائیل، در بمباران‌رشیدیه ورأس‌العین (در جنوب‌بندر صور) مشارکت‌داشتند.

خبرنگاران مستقر درجنوب‌لبنان گزارش‌دادند که شبه نظامیان‌محافظه‌کار مسیحی دهکده‌ٔ حسبیه‌درناحیه‌جنوب شرقی‌لبنان و همچنین دهکده رشایه‌الفخارا زیرآتش‌گرفتند وجمعی‌را مجروح‌ساختند. ودراین میان توپخانه اسرائیل منطقه نبطیه، مقرستادنیروهای‌فلسطین وترقی‌خواه رادرجنوب لبنان گلوله‌باران‌کردند.

به‌گزارش‌همین‌خبرنگاران، نیروهای پاسدار صلح سازمان ملل متحد از بیم نفوذ نیروهای اسرائیلی به‌ناحیه عرقوب به‌حال آماده‌باش درآمدند.

*افکارعمومی محکوم می‌کند

روزنامه پراودا ارگان‌حزب، کمونیست‌شوروی‌تجاوزات‌اسرائیل رامحکوم کرد و نوشت که‌رژیم صهیونیست‌این کشوراباحمایت‌ازآدمکشان‌سرکوحداد، فرمانده غیرنظامیان مسلح‌مسیحی، درجنوب لبنان‌نافرهٔ جنگ اعلام نشده‌ای‌را دراین کشور افروخته است . پراودا همچنین تحریکات اسرائیل راعلیه واحدهای‌سازمان ملل (درجنوب لبنان) محکوم‌کرد و اعلام‌داشت که‌تجاوز اسرائیل علیه لبنان، پس‌از انعقاد پیمان به‌اصطلاح صلح‌مصروا‌سرائیل شدت‌یافته‌است.

گوستاوموساك رئیس جمهوری‌چکسلواکی، هنگام‌دیدار اخیرخود ازدمشق تجاوزات اسرائیل رامحکوم‌کرد واعلام داشت که انعقاد پیمان صلح میان مصر و اسرائیل کار نیل به‌یك‌راه حل‌همه‌جانبه رابرای مسئله خاورمیانه دشوارترکرده واوضاع‌را بغرنج‌تـــر ساخته‌است. رئیس جمهوری چکسلواکی تأکید کردکه‌تنها راه تأمین صلح در خاورمیانه، خروج‌کامل اسرائیل از سرزمین‌های عربی وقبول حق تأسیس یك‌دولت مستقل انظرف فلسطینی‌هاست.

به‌گزارش خبرگزاری فرانسه، کشورهای عرب وجهان‌سوم خواستار اخراج اسرائیل ازسازمان بهداشت جهانی‌شدند و اعلام کردند که ایـــن‌کشور دســـت به اقدامات غیر انسانی زده‌است.

در پیش‌نویس قطعنامه‌ای‌که از طرف این سازمان انتشار یافت ، تصریح شد‌که رژیم صهیونیست اسرائیل درزندان‌های این‌کشور با اعراب ظالمانه رفتار می‌کند.

درقطعنامه‌ای‌که‌ازطرف جمهوری سوسیالیستی ویتنام، افغانستان، آنگولا، لائوس، گینه و چاد مورد حمایت قرارگرفت، تأکیدشد که حق دادن‌رأی‌ودریافت کمك ازسازمان بهداشت جهانی از اسرائیل سلب شود.

سرشت انسانی وعادلانه روابط‌کشورهای‌سوسیالیستی با دولت‌ها وملل‌عرب و حمایت مداوم آن‌ها از مبارزه ملت‌های عرب باتجاوزات و استعلاجویی های رژیم صهیونیست اسرائیل، در مطبوعات سوریه مورد بحث و تأیید قرارگرفت.

روزنامه البعث پشتیبانی‌مداومی‌راکه چکسلواکی ازلحاظ نظامی،اقتصادی و سیاسی‌نسبت به‌سوریه‌ابراز داشته است،ستود وبارهٔ دیدار اخیر گوستاوموساك از دمشق نوشت‌که ملت سوریه هیچگاه فراموش نخواهدکرد که‌چکسلواکی‌ازسال ۱۹۵۶ اسلحه در اختیار سوریه‌گذاشته است تااین کشور قدرت لازم برای‌مبارزه با اشغال‌گران صهیونیست‌را داشته‌باشد. البعث همچنین آزروش تأیید‌آمیزرهبران چکسلواکی نسبت به امر اعراب از جمله آرمان فلسطین ابراز خشودی‌کرد.

الثورد، روزنامه دیگری‌نیزکه در سوریه چاپ می‌شود ، حمایت‌کشورهای اردوگاه سوسیالیستی را ازپیکار عادلانهٔ اعراب بامهیونیسم وامپریالیسم‌ستود .

در ملاقاتی‌که‌میان سفیر اتحاد شوروی درکویت ومعاون وزیر امورخارجه این‌کشور انجام‌گرفت اوضاع‌سیاسی خاور میانه‌دربی انعقاد پیمان به اصطلاح‌صلح اسرائیل مصر مورد بررسی قرارگرفت .

سفیر شوروی درپایان ملاقات وگفتگو اعلام‌کردکه اختلاف اعراب‌و اسرائیل فقط به ابتکار سازمان ملل متحد‌وبا مشارکت و حضـــور همهٔ جناح‌های ذی‌ربط باجران خاور میانه قابل رفع تواند بود.

*...ورژیم‌سادات‌مخالفان این خیانت‌راسرکوبی‌می کند

تاس، خبرگزاری شوروی، بااستناد به نوشتهٔ روزنامهٔ الوطن،چاپ‌کویت، گزارش دادکه مقامات مصر دست اندرکار ایذاء و بازداشت‌مخالفان پیمان«صلح» جداگانه رژیم هزادت با اسرائیل هستند. الوطن نوشت‌که بسیاری از مخالفان هم اکنون درزندان بسر می‌برند ، به‌گزارش این روزنامه موج مخالفت‌باامضای این سند تنك و خیانت سراسر مصررا فراگرفته است .

*تجاوزات وزشت‌کاری‌های‌دولت‌های‌نژادپرست‌درزیر چتر حمایتی امپریالیسم

یان اسمیت نخست‌وزیر نژادپرست رودزیا اعلام‌کردکه توصیه سنای امریکا (همان سنا که‌اعدام‌سردمداران جنایتکار رژیم خونآشام را به «اتفاق آرا»محکوم کرد) به چیمی‌کارتر در مورد لغو مجازات اقتصـــادی علیه رودزیا خبر بسیار مسرت بخشی‌برای «مردم»این‌کشور است.

اسمیت که از تشابه عقیدتی میان خودش و سناتورهای امـــریکایی به وجد آمده است، آنها رامورد تلطف ودلجویی قرار داد وگفت ، «سناتورهای‌امریکایی مردانی اصولی هستند وسرحرف خود می‌ایستند» !

لکن ... سازمان بهداشت جهانی از دبیرکل این سازمان خواست تا تمام روابط خودرا بادولت جدید رودزیا به ریاست اسقف ابل موزوررا قطع‌کند وجبهه میهن‌پرست زیمبابوه و کشورهای خط مقدم جنوب آفریقارا مورد حمایت وتأیید قرار دهد.

هفتاد وشش‌کشورعضوسازمان بهداشت جهانی درقطعنامه‌ای ازامریکاطلب کردندکه هرگونه همکاری بـــا ابل‌موزوررا راقطع‌کند. انگلیس، امریکاوکشور های عضوبازارمشترك اروپا ازجمله سی‌ودوکشوری بودندکه ازادامن رأی به زیان رژیم رودزیا امتناع‌کردند.

سخنگوی چریك‌های جبهه میهن‌پرست رودزیا گفت‌که‌دولت رودزیا تاکنون بیش ازسیزده هزار نفر مزدور استخدام‌کرده است‌کـــه اکثریت آنها امریکایی، انگلیسی، فرانسوی، اسرائیلی، پرتغالی و از اتبـــاع آلمـــان فدرال هستند (از کشورهای‌طرفدار«حقوق بشر!»).

افریقای‌جنوبی نیزکه‌درکنف حمایت «طرفداران غربی حقوق بشر!» قرار دارد، درهردودقیقه یك سیاه پوست مبارزرا به‌بهانه به‌اصطلاح «نقض مقررات منع عبوورمرور» محبوس می‌سازد. در سال‌گذشته پلیس آفریقای جنوبی حدود ۲۸۰ هزار نفر را در شهرهای این‌کشور بازداشت‌کرد و ۱۷ هزار نفر را بـــه زندان فرستاد.

جمهوری آنگولا اعلام‌کردکه ارتش افریقـــای جنوبی درمرزهای مشترك آنگولاونامی‌بیا به‌لشکرکشی زمینی وهوایی دست زده است ومستمـــك این‌تجاوز به‌اصطلاح مقابله آفریقای جنوبی با چریکهای سواپواست.

اتحادشوروی باردیگرهمبستگی خود رابا پیکارهای مردم نامی‌بیا در راه تحصیل استقلال اعلام داشت وتأکید ورزیدکه به‌مردم این سرزمین در راه نیل به آرمان‌هایشان هرگونه‌کمك ضروررا خواهدکرد.

دولت شوروی دراعلامیه صادره در پایان اجلاس‌کمیسیون سازمان ملل در بارهٔ نامی‌بیا، که درمسکوتشکیل شده‌بود، تصریح‌کردکـــه رژیم آفریقای جنوبی براقدامات خشونت آمیزخود علیه‌جنبش حق‌طلبانه مردم نامی‌بیا که درراه‌تحصیل استقلال خود مبارزه می‌کند، افزوده است.

اتحاد شوروی همچنین رژیم نژادپرست رودزیا را محکوم‌کرد ودر ایـــن اعلامیه متذکرشد‌که ایـــن‌رژیم برای سرکوبی جنبش سازمان خلق آفریقای جنوب غربی، علاوه برتهاجم مستقیم علیه مبارزان این‌جنبش،کشورهای همجوار نامی‌بیا را نیزمورد حمله وتجاوزقرارمی‌دهد وبدین‌وسیله صلح وامنیت بین‌المللی‌را بـــه مخاطره می‌افکند.

اتحاد عمل همهٔ نیروهای انقلابی

بقیه ازصفحه ۱

سنای امریکا در امور داخلی ایران ودرحمایت از عمال و گماشتگان سیاهکار امپریالیسم امریکا، که اینك عدالت انقلاب

منابع شوروی
درباره ایران چه می‌نویسند؟

نبرد قهرمانانه خلق‌های ایران تحسین و علاقه خلق‌های کشورهمسایه بزرگ‌شمالی مارانسبت‌به‌خود جلب‌کرده وافکارعمومی اتحاد شوروی، به‌اشکال‌مختلف،همبستگی خود را با جمهوری ما و علاقه‌مندی‌خود را به‌تحکیم روابط دوستانه با ایران و پیروزی نهائی انقلاب‌ایران نشان‌میدهد

«مردم» خلاصه مقاله‌ایرا که خبرگزاری شوروی نووستی زیرعنوان «بذر دشمنی می‌افشانند»، منتشرساخته‌و هم‌چنین مقاله‌ای از روزنامه پراودا ارگان مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی را از نظر خوانندگان خود می گذراند،

سقوط رژیم سلطنتی در ایران به صورت‌یکی از رویدادهای‌مهم بین‌المللی دوران اخیر درآمده‌است. درباره‌انقلاب ملی‌دراین‌کشور، دستاوردهاودشواری‌های آن، پیوسته بزرگ‌ترین‌روزنامه‌های‌جهان قلمفرسائی می‌کنند، به‌ویژه‌مسئله‌مناسبات بین ملیت‌ها دقت وافرجاید را بخود جلب می‌کند.

شاه مخلوع، ماهرانه اختلافات ملی و مذهبی خلق‌ها و قبایل ساکن ایران را به‌بازی می‌گرفت و از سیاست کهنه و آزموده‌استعمارگران‌انگلیس-تفرقه‌انداز وحکومت‌کن- استفاده می‌نمود. درعمل، این سیاست را کارکنان سرویس ساواک (پلیس مخفی شاه)، که با سازمان‌مرکزی جاسوسی امریکا (سیا) پیوند بسیارمحکمی داشتند، پیاده می‌کردند.

انقلاب، طومار نظام شاهنشاهی را درهم نوردید. ساواک‌منحل‌شد. مستشاران کثیرالعده امریکائی خاك ایران را ترك کردند. اما مسائل بین ملیت‌ها، که از دوران شاه سابق باقیمانده، با تمام‌حدت خودرانمایان می‌سازد. خبرهای‌اضطراب آوری از مناطق کردنشین وترکمن‌نشین ایران می‌رسد. دوباره صدای‌تیراندازی شنیده می‌شود. بمب‌ها منفجرمی‌گردند و افراد بیگناه‌کشته می‌شوند. تنها درشهر نقده در عرض ۶ روز حدود ۵۰۰ نفر کشته شدند.

البته مشکلاتی عینی وجوددارد، که طی مدت‌کوتاه نمی‌توان‌آن‌ها رابرطرف نمود. ولی بسیاری از ناظران به‌کسرات حدس زدندکه این مشکلات، ماهرانه از طرف عمال سیا، که درمیان‌شان کم‌نیستند ساواکی‌هائی‌که از دست‌انتقام مردم‌مخفی شده‌اند، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

هدف سیاسی عمال امریکاآنست که، تمامیت ارضی ایران را قطعه‌قطعه کنند و از این راه‌آن را ناتوان‌و متلاشی سازند. هدف اقتصادی‌آنها اعاده کنترل برنفت ایران است. سخن برسرآنست که ذخایر عمده نفت در اراضی مسکونی اقلیت‌های ملی نهفته، و درصورت‌تاسیس چند دولت مجزا، امریکا خواهد توانست مواضع اقتصادی خود را در این منطقه احیاء نماید.

در رابطه با این موضوع، گزارش هفته‌نامه لبنانی «الکفاح‌العربی» شایان توجه است. به‌قرار اطلاع این‌هفته‌نامه تماس‌دائمی بین نمایندگان مسئول‌امریکا و رهبران عشایر بلوچ برقراراست. بخصوص نام لیساردـ دبیراول سفارت امریکا در اسلام‌آباد، که به‌عنوان‌کارمند سیا شهرت‌دارد، برده‌می‌شود . وی چندی پیش ازمناطق بلوچ‌نشین‌ایران‌و پاکستان دیدن‌کرد. هفته‌نامه می‌نویسد، «به‌احتمال قوی این تماس‌ها در چهارچوب نقشه امریکامبنی‌بر تاسیس کشورمستقل‌بلوچستان بحساب اراضی دوکشور نامبرده صورت می‌گیرد. ناگفته نماندکه اراضی این منطقه، طبق‌پیش‌بینی‌کارشناسان‌امریکائی، از لحاظ ذخایر نفت وگاز، فلزات و مواد معدنی مختلف بسیار غنی است».

خبرگزاری مطبوعاتی شوروی «نووستی» در پایان مینویسد، «تمام این گزارشها باردیگر فعالیت ناهنجار سیا در ایران را فاش می‌کند، فعالیتی‌که گاهی بیشرمانه باکارزار تبلیغاتی «دست مسکو» پرده‌پوشی‌میشود. ولی‌مردم‌ایران و رهبران جدیدآن‌ها به‌روشنی می‌بینند که، دست چه‌کسی بسوی‌گلوی انقلاب ملی دراز می‌شود.»

روزنامه پراودا، ارگان مرکزی حزب‌کمونیست اتحادشوروی نیزمقاله‌ای دارد زیرعنوان «دسایس ارتجاع» که در آن منجمله چنین می‌نویسد،

«اغلب اوقات نه خودواقعه، بلکه آنچه به‌دنبال آن اتفاق میافتد حقیقت ماجرا را آشکار می‌سازد. ترور اخیر آیت‌الله مطهری، روحانی برجسته ایران وطرفدارنزدیك آیت‌الله‌خمینی‌ضد به‌ایست برضد خود انقلاب، که رژیم ضد مردمی‌و مستبدانه شاه راسرنگون‌کرده است. این سوءقصد نشان‌میدهدکه مبارزه‌بین گذشته و حال در ایران خاتمه نیافته است.

مسئولیت‌ترور آیت‌الله مطهری را گروه زیرزمینی «فرقان» به‌عهده گرفته است، که بسیاری از نکات فعالیت سیاسی آن در پرده‌ای از مه فرورفته است.

در عین حال اظهار عقیده می‌شود که شعارهای بظاهر مذهبی ودموکراتیك دروغین «فرقان»، برای‌پرده‌پوشی‌عناصر طرفدار شاه، از جمله افسران وکارمندان ساواك مورد استفاده قرار می‌گیرد. آنها می‌خواهند باکمك عملیات تروریستی و تحریك برخوردهای مسلحانه در نواحی محل اقامت اقلیت‌های ملی‌و با ایجاد اختلال در حیات اقتصادی‌کشور، محیط عدم ثبات و عدم اطمینان به‌وجودآورند. هدف از سوءقصد به‌مطهری وقره‌نی‌نه‌تنها متزلزل ساختن مواضع‌آیت‌الله خمینی، بلکه در درجه اول نفاق افکنی و رو در رو قراردادن نیروهای انقلابی کشور، ایجاد بحران عمیق سیاسی و حتی دامن زدن به‌جنك داخلی است.

تمامی نیروهای واقعا دموکراتیك ایران بشدت این‌جنایات‌را تقبیح نمودند. حزب تودهٔ ایران ترور آیت‌الله مطهری را جزئی‌از توطئه‌جنایتکارانه‌امپریالیسم و عمال‌آن برضد انقلاب ایران‌نامید. حزب تودهٔ ایران دعوت نمودکه‌کلیه نیروهای انقلابی ایران درقبال دسایس ارتجاع وحدت عمل را تقویت بخشند. سایر احزاب وسازمانهای‌چپ‌ایران بشدت ترورآیت‌الله مطهری را محکوم کردند و بحق یادآور شدند که مقصران ترور قره‌نی و مطهری را باید در میان نیروهای ضدانقلاب وملهمین‌امپریالیست آنها جستجوکرد.

با وجود روش بارز نیروهای دموکراتیك و باوجود حقایق‌وجزئیاتی که اخیراً برملاشده است، بعضی‌ازمحافل ایران این ترورهای سیاسی را بهانه‌ای برای‌گسترش تبلیغات وسیع برضد جناح چپ انقلاب قرارداده‌اند.

اظهارات‌آیت‌الله خمینی درخصوص اینکه عملیات تروریستی اخیرکارعناصر دست راستی است وکوشش برای نسبت دادن این عملیات به‌محافل دیگرتحریك محض است، از این نقطه‌نظر شایان‌توجه است.»

پراودا در خاتمه مینویسد،

«دشمنان ایران نو، روی نفاق و تجزیه‌گروه‌های انقلابی حساب می‌کنند و بیش از هرچیزازوحدت صفوف‌انقلاب وحشت دارند.

جمهوری جوان ایران دوران دشواری را می‌گذراند. مردم این‌کشور، که سرنوشت خود را بدست‌گرفته‌اند، مسائل سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و ملی‌دشواری را حل می‌کنند. جمهوری اسلامی ایران در این دوره ازاستقرار خود، هرگز مانند امروز احتیاج به همکاری پایدار و مناسبات دوستانه با همسایگان خود نداشته‌است. اتحادشوروی که نسبت به‌مبارزه مردم ایران در راه تامین منافع و حقوق دموکراتیك و استقلال واقعی علاقه عمیقی دارد، به همسایه خود ایران پیشنهاد دوستی و همکاری میدهد و خواستار حل‌وفصل هرچه زودتر مسائل داخلی‌آن و رفاه و صلح و شکفتگی تمامی مردم ایران است.»

مواد مخدر- فلج کننده‌ی نسل جوان

نام موادمخدر، وبخصوص هروئین، با نام اشرف پهلوی توأم‌است. دردوران حاکمیت این‌خاندان ننگین، تمام دادوستدهای هروئین ودیگرمواد مخدردردست این‌زن‌فاسد متمرکز بود. قانون مجازات اعدام برای قاچاقچیان این‌مواد وجود داشت، اما این‌قانون تنها درموردکسانی‌اعمال واجرامیشدکه بخود جرأت‌میدادند تادرخارج ازباند وسیع تحت‌ریاست عالیه اشرف وبطورمستقل عمل‌کنند.

باندقاچاق اشرف‌پهلوی درترویج موادمخدر، وبخصوص هروئین، دوهدف شیطانی‌راتعقیب میکرد، نخست‌تامین یك‌منبع درآمدسرشار، که‌هزینه‌بوالهوسی‌های اشرف واطرافیان اورا تأمین میکرد. هدف‌دوم‌که موردتوجه تمامی‌دستگاه سلطنتی ودولتی‌بود، کشانیدن نسل‌جوان بفساد وتباهی وفلج‌کردن آن وبازداشتن آن از توجه بمسائل مملکتی وسیاسی بود.

رژیم‌ترور واختناق بنوبه خودکمك میکردکه آن‌گروه ازجوانان‌ومردان که‌نه مردمیدان مبارزه‌بودند ونه‌حاضربودند تسلیم‌رژیم بشوند، خواه و ناخواه، برای تسکین اعصاب‌خود، باین‌مواد پناه‌ببرند وساعاتی‌را بخیال‌خود دربی‌خبری بگذرانند. واین‌یکی‌ازضربه‌های‌کشنده‌ی روحی ومعنوی بودکه عالماًوعامداً و بنحوی حساب‌شده ازطرف رژیم برپیکراجتماع ما فرود می‌آمد.

مردم‌قیام‌کردند، پایه‌های نظام‌استبدادی پهلوی وبهمراه آن‌بنیان‌حکومت سلطنتی وازگون‌گردید واین‌کابوس مهیب ازروی سینه‌ی مردم برداشته شد واشرف پهلوی، رئیس قاچاقچیان موادمخدر، ازایران‌گریخت.

آن بساط ننگین وضدمردمی سرتاپا ازهم فروپاشید، ولی‌متاسفانه ریشه شوم‌اشرف وباند اوبرجای ماند ومیدان‌اینك بدست رقیبان‌اشرف افتاده، که بازار قاچاق وفروش این مواد راواج دهند. قربانیان این‌عمل تبهکارانه وشیطانی‌باز هم‌نسل جوان وفعال ما است، که اگردراین تارعنکبوتی‌گرفتارشود، بکلی‌فلج و مبدل بعضوزائد اجتماع ما میگردد.

این قاچاقچیان، که درحقیقت‌قاتلین قوه فعالهٔ نسل جوان ماهستند، برای عرضه‌کردن‌کالای زهرآگین خویش، درهمه‌جا پخش هستند، در درون‌پارکها، در گوشه‌وکنار خیابان‌ها، دربساط ظاهراًمحقری‌که ماهمه‌جا برسرراه خود می‌بینیم، باین‌تجارت لعنتی ادامه می‌دهند.

نباید دراین‌واقعیت تردیدکردکه خطر رواج این مواد برای مردم‌میهن‌ما دهها بار ازخطر رواج مواد الکلی بیشتر است. باند خطرناکی که ازرواج این متاع جهنمی سود میبرد، برای بدام‌کشانیدن جوانان وسایط ووسائل جهنمی‌تری دارد، که مورد استفاده قرارمیدهد، گاه‌باتعارف یك‌سیگار وتقدیم یك‌گل، قربانی رابدام‌میکشد وطرف بدون اینکه‌غالباًخودمتوجه باشدوقتی‌چشم بازمیکندکه خود را اسیر ومبتلا می‌بیند.

مبارزه‌ی بی‌امان علیه‌مواد مخدر یك‌وظیفه همگانی است. دولت‌بنوبه‌خود ومردم بجای خود. درحقیقت جای آن داردکه برای زدودن محیط اجتماعی‌ما از باقیماندهٔ کثافات این ارثیه شوم دوران طاغوتی، یك‌جهاد همگانی آغاز شود. مامورین دولتی باید مبارزه علیه این مواد را در دستور روز وظایف خود قرار دهند، مردم باید درمراقبت برای‌کشف این کانونهای فساد از خود هشیاری کافی نشان دهند. جوانان، که خودعمده‌ترین هدف ضربه‌این‌کانونها هستند، بایدباهمان شورانقلابی، که‌دستگاه طاغوتی‌را برچیدند، علیه این یادگاری شوم‌ولعنتی‌دستگاه مزبور، هشیارانه فعالیت وآنهارا شناسائی‌کنند وبدست مامورین بسپارند. اگر برخی اعمال زشت و انحرافی ، که برای آنها مجازات اعدام اجرا و اعمال میگردد، جنبهٔ انفرادی دارد، هرگونه‌ترویج وفروش وقاچاق این مواد زهراگین، بجامعه‌ی مازیان میرساند وخیانتی است علیه اجتماع‌ما.

مرگ یك‌مبارز توده‌ای هنگام انجام‌وظیفه

رفیق مبارز شهلا پوریادگار، متولد، ۸ خرداد ۱۳۳۸ هنگامی که با دنیائی شور وشوق، اولین شمارهٔ «مردم» دوره جدید را برای رفقایش در اهواز به‌ارمغان می‌آورد، درجاده تهران-اهواز، دریك حادثه جانکاه رانندگی، بازندگی وداع گفت. آخرین ره‌آورد رفیق شهلا، باچند روز تاخیر، همراه با خبر مرگش، به رفقایش رسید.

این جوان توده‌ای، زندگیش چون زندگی همرزمان زحمتکشش، سراسر با تلاش و رنج توام بود. قبل‌از تولد، پدرش‌را، که یك نامه‌رسان بود، از دست داد. در شانزده سالگی به‌مطالعات علمی روی آورد و به‌علت هوش وقدرت درك فوق‌العاده‌اش توانست به‌سرعت خصلت‌های انقلابی را درخود پرورش دهد. در هفده سالگی باانتخاب مشی حزب تودهٔ ایران، به‌رفقای توده‌ای پیوست و ازاین زمان، تاهنگام مرك زودرسش در خدمت آرمان مقدس حزب طراز نوین طبقه کارگر بود.

در شرایط اختناق، که به دست آوردن نشریات انقلابی حزب وهمچنین تکثیر این نشریات دشوار بود، رفیق مبارز ما اکثر ساعات شبانه‌روزرا صرف دستنویس کردن «نوید» و تراکت‌های حزب می‌نمود. رفقایش، در شرایط اختناق، همیشه در انتظار رسیدن شهلا ازتهران‌بودند، چون‌او همراه‌خود «نوید» را به‌ارمغان می‌آورد.

شهلا دیگر درمیان رفقا نیست، ولی ما تلاش خستگی ناپذیرش را برای دستیابی به شناخت علمی از جامعه و مبارزه در راه تحقق آرمان‌های حزب، هرگز از یاد نمی‌بریم وهمیشه یادش را گرامی می‌داریم و راهش‌را ادامه می‌دهیم.

شهلا پوریادگار
(۱۳۵۷ - ۱۳۳۸)
یادگارش‌زندگی ومبارزه‌اش گرامی‌باد

یکی از رفقایش در سوك این جوان توده‌ای، ابیات زیرین‌را سروده است:

گل سرخ صداقت
دریغ و درد
برباد رفته است
در پهن‌دشت خاطره‌ها و یادها
بهر رفیقان همرهش
جز ماتم گل سیاه
چیزی نکشته است

توضیح

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

اخیرا لیست گروهی از ماموران و همکاران ساواك در مطبوعات، گویا ازطرف مقامات دولتی منتشر شده‌است. دراین لیست، که گفته میشود انگیزه انتشار آن تصفیه و پاکسازی مطبوعات است، ازجمله یکی از رفقای ما، «هوشنك اسدی»، بعنوان مامور ساواك معرفی شده است.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب تودهٔ ایران بدینوسیله اعلام میدارد که، هوشنك اسدی عضو حزب توده ایران است وبدستور حزب ودرانجام ماموریت محوله، از طریق شبکه مخفی حزب توده ایران به داخل ساواك رخنه‌کرده ودر این رابطه موفق به خدمات موثری شده است.

دبیرخانه حزب توده ایران این توضیح‌را برای رفع هرگونه شبهه در مورد این رفیق مبارز ضرور میشمرد.

کمك مالی به حزب تودهٔ ایران یك وظیفهٔ انقلابی است

هموطنان! رفقا و دوستان!

حزب تودهٔ ایران، حزب طبقهٔ کارگر ایران، پس‌از سی سال مبارزه درشرایط دشوار مخفی، فعالیت علنی وقانونی خودرا آغاز کرده است. لازم به تاکید نیست که اکنون وظایف سنگینی در مبارزه به‌خاطر تحکیم دستاوردهای انقلاب و نوسازی جامعه ما در برابر حزب قرار دارد. انجام این وظایف ازجمله به‌قدرت مالی حزب وابسته است. لذا کمك مالی به‌حزب تودهٔ ایران یك وظیفهٔ انقلابی است. فداکاری‌های اعضا، هواداران و دوستان حزب دراین زمینه در گذشته غرورانگیز است. اکنون نیز ما اطمینان داریم که اعضا، هواداران، دوستان و همه کسانی که به پیروزی نهائی وقطعی انقلاب ایران صادقانه علاقه‌مندند، به‌حزب طبقه کارگر ایران یاری خواهند رساند.

کمك مالی‌را می‌توان مستقیما به‌دفتر حزب داد ویا با تلفن ۹۳۵۷۳۸، ۹۳۳۴۵۹ - آمادگی خودرا اعلام داشت. از طرف دفتر حزب ترتیب دریافت کمك داده خواهد شد. علاوه براین علاقه‌مندان می‌توانند کمك مالی خودرا به‌حساب بانکی زیرین بپردازند:

حساب بانکی به‌نام تقی کی‌منش و به‌شمارهٔ ۳۳۳۳، شعبهٔ ۴۱۸ بانك ملی ایران، (شعبه شاه‌اسماعیل صفوی)، خیابان شهید دکتر حسین فاطمی (ایران نوین سابق).

برقرارباد اتحاد همهٔ نیروهای ضد امپریالیستی و دموکراتیك ایران در جبههٔ متحد خلق